

تعهدات دولت برای تأمین و تضمین حق کرامت انسانی در فقه و نظام حقوقی ایران

فاطمه صالحی نصر

کارشناس ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

چکیده

مسئله کرامت انسان، نه تنها به منزله یک حق یا مجموعه‌ای از حقوق غیر قابل سلب و انتقال است، بلکه محور و مبنای انسانی و بشری دارد. لذا کرامت، مبنای حقوق بشر محسوب می‌شود. در اکثر اسناد مهم جهانی و منطقه‌ای، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر درج شده و به رسمیت شناخته شده که در این اسناد بر اهمیت این اصل و همچنین ضرورت رعایت آن تأکید گردیده است. تحقیق حاضر با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی تحقیق یافته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که پایبندی به حقوق بشر و آزادی‌های عمومی شهروندان از جمله ارزش‌های بنیادی نظام‌های سیاسی مبتنی بر آرای مردم است. نظام‌های سیاسی دموکراتیک، به آزادی‌های اساسی، کرامت، صلح، امنیت و... خود را پایبند می‌دانند. در نظام حقوقی ایران و فقه، اصل کرامت انسانی مورد پذیرش قرار گرفته است. مصادیق کرامت انسانی در حق‌هایی چون: حریم شخصی و خصوصی افراد- آموزش و پرورش-حق بر سلامت- کرامت انسانی و خانواده، حق مالکیت، حق بر آزادی قراردادی متبلور است.

کلیدواژگان: تعهد، حق، مسئولیت دولت، کرامت انسانی، حریم شخصی.

مقدمه

یکی از پایه‌های شکل‌گیری و اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، ایمان بر کرامت و ارزش والای انسانی است. کرامت انسانی به‌عنوان یک راهبرد و استراتژی در حقوق به‌خصوص حقوق کیفری می‌تواند؛ مانند چراغی روشنگر و جهت‌دهنده در تصمیم‌گیری‌های قضایی باشد. (Grewe et Ruiz Fabri, 1995:32). کرامت انسانی و حقوق کیفری تأثیری دوسویه بر یکدیگر دارند. حقوق کیفری عرصه‌ی ایراد رنج و آسیب رساندن به جان، سلامتی، آزادی و مال آدمی است و کرامت او را به چالش می‌کشد و از این‌رو تأثیری دوسویه بر یکدیگر دارند. کرامت انسانی یعنی اینکه انسان به ذات و به‌خاطر انسان بودنش دارای کرامت است و باید مورداحترام واقع شود و نباید تحقیر شود، هرچند که مجرم باشد، باید به انسان به‌عنوان هدف و غایت نگاه شود. انسان نباید وسیله‌ای برای رسیدن به هدف حقوق کیفری یعنی تحقق عدالت باشد. بلکه باید خود، هدف باشد، یعنی عدالت را باید با برخورد متناسب با مجرم و متهم دنبال کرد و در جامعه ایجاد کرد نه اینکه از طریق اهانت به شخصیت و حیثیت او و اعمال مجازات سنگین، جامعه بخواهد به عدالت برسد. متأسفانه بسیاری از تصمیم‌گیری‌های قضایی در دادگاه و دادسرا مطابق با سرشت و نیازهای انسانی نمی‌باشد و هنوز شاهد شکل ابتدایی از مجازات‌ها و سخت‌گیری‌های کیفری نسبت به متهمان و مجرمان در تصمیم‌گیری‌های قضایی هستیم که نشانگر این است که تصمیمات قضایی در مراجع قضایی بی‌جهت و بی‌هدف و بدون استراتژی خاص و فقط در جهت پاسخ آنی و کوبنده به جرم هستند و هم چنین یک سردرگمی در صدور تصمیمات قضایی از مراجع قضایی مشاهده می‌شود به‌طوری‌که بعضی از قضات در قبال جرایم یکسان برخورد سخت را انتخاب کرده و برخی برخورد سبک‌تری را در پیش می‌گیرند.

کرامت انسانی می‌تواند یک استراتژی و نقشه راه برای مقامات قضایی باشد تا در تصمیم‌گیری‌های خود مسیر رسیدن مجرم به کمال و پیشرفت را تنظیم کنند و به‌جای نابودی مجرم او را توانمند سازند. رویکرد فعالان حقوق بشر چنین متمرکز شده است که امور و نکات که به رعایت حقوق بشر و یا نقض آن مربوط می‌شود مسئولیت بیشتر متوجه دولت‌ها است؛ زیرا این دولت‌ها است که بیشترین ابزار و امکانات مالی و معنوی را برای جلوگیری از نقض حقوق بشر و همچنین زمینه حمایت و مسئولیت‌پذیری حقوق بشری را در اختیار دارند. بهتر این است که بیشترین مباحث مربوط به حمایت از حقوق بشر متوجه دولت‌ها و تعهدات آنها گردد. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حقوق بشر و حاکمیت قانون مقتضی آن است که ابزار و راه کارهای عملی و مؤثر برای دستیابی به این هدف مورد بررسی و جستجو قرار گیرد.

باتوجه به این ضرورت که؛ جوهره‌ی اصلی حقوق بشر پاسداری از حیثیت انسانی است. هر انسانی فارغ از جنس، رنگ، نژاد و مذهب دارای حیثیت برابر با دیگر انسان‌ها است. برخورداری از حیثیت و کرامت انسانی برابر، از اصول بنیادین حقوق بشر است که در هیچ شرایطی تخصیص نمی‌پذیرد؛ بنابراین منشأ برخورداری از حقوق برابر و یکسان، حیثیت انسانی برابر و یکسان است نه تعلق به جنس، نژاد، مذهب و یا حتی خط‌مشی سیاست غالب؛ لذا مهم‌ترین چالش امروزین جهان مسئله‌ی توجه به مسائل حقوق بشر و مشکلات ناشی از نقض این حقوق بنیادین توسط دولت‌ها است. به حدی که به‌جرت می‌توان ادعا کرد قرن حاضر دوره‌ی توجه به این مقوله و تشکیل دولت‌هایی است که حقوق بشر را در عمل بتوانند نهادینه کرده و ضمانت اجرای داخلی آن را تضمین کنند. باتوجه به رویکردهای جدید نظام‌های سیاسی دموکراتیک و مردمی، دولت‌ها موظف‌اند که در دو عرصه بین‌المللی و داخلی نسبت به حقوق و آزادی‌های مردم با اعمال ایجابی و یا سلبی از حقوق مردم حفاظت و حراست نمایند.

قوانین بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها را موظف می‌سازد تا بر اساس ضوابط مشخصی عمل کنند و یا از برخی اعمال مشخص خودداری ورزند تا حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی افراد و گروه‌ها، ترویج و حفاظت گردد. با عضو شدن در معاهدات بین‌المللی، دولت‌ها متعهد به اجرای مسئولیت‌ها و وظایفی می‌گردند که مطابق آن باید حقوق انسانی افراد مورداحترام قرار گیرد و دولت‌ها نیز از این حقوق حمایت نمایند. تعهد به محترم شمردن حقوق بشر بدان معنی است که دولت‌ها بایستی از مداخله در حقوق بشر و یا محدود ساختن بهره‌مندی افراد از حقوق انسانی خود پرهیز کنند. تعهد دولت‌ها به حفاظت از

حقوق بشر آنان را متعهد می‌سازد تا از افراد و گروه‌ها در برابر نقض این حقوق توسط اشخاص ثالث مراقبت کنند. تحقق حقوق بشر افراد بدین معنا است که دولت‌ها باید گام‌های اجرایی مثبتی بردارند تا تمامی افراد بتوانند از حقوق اساسی و انسانی خود به شکل کامل بهره‌مند شوند.

در ایران و در پژوهش‌هایی که تاکنون انجام گرفته، توجه چندانی به نقش کرامت انسانی و در راستای رعایت حقوق دفاعی شهروندان در برابر مأموران اداری و اهمیت آن، صورت نگرفته و اغلب پژوهش‌های انجام شده تنها به اهمیت رعایت حقوق دفاعی افراد و یا میزان رعایت آنها در نظام حقوق اداری پرداخته و یا این که مبنای این اصل را عدالت آیینی در نظر گرفته‌اند. بنابراین در این پژوهش تلاش می‌گردد تا با استفاده از روش کتابخانه‌ای و منابع موجود به سؤال اصلی نوشتار حاضر، تعهدات دولت برای تأمین و تضمین حق کرامت انسانی در فقه و نظام حقوقی ایران چیست؟ پاسخ دهیم.

۱. تبیین کرامت

۱.۱. مفهوم کرامت

برای انجام هر پژوهشی بهتر آن است که نخست مفاهیم اصلی و پایه ای برای رسیدن به مقصود مطلوب مورد بررسی و تبیین قرار گیرد. در این مجال به بررسی مفهوم کرامت و کرامت انسانی پرداخته که بنای اصلی موضوع می باشد.

الف: کرامت در لغت

کرامت در لغت دارای معانی مختلفی است که مهم‌ترین آنها عبارت است از: ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه، منزلت، نزاهت از فرومایگی و پاک بودن از آلودگی‌ها، احسان و بخشش، جوانمردی و سخاوت.

از دیدگاه معارف اسلامی «کرامت» مشتق از کرم، بر وزن فرس بوده و به معنی سخاوت، شرافت، عزت، نطافت و ضد لثامت است. کریم بر وزن فعلیل، صیغه مبالغه کرم بوده و از صفات خداوند متعال و از اسماء حسنی است و به معنی بی‌نیازی، نفیس، عزیز، محترم و گران‌قدر است. کرم به معنی احسان و کامل‌ترین مصداق آن برای خداوند متعال است و اگر بر انسان اطلاق شود منظور افعال پسندیده و اخلاق حسنه اوست. گرچه کرامت مشتق از کرم به معنی جود و بخشش است لیکن بر انسان‌های وارسته که در حال تهی‌دستی زندگی می‌کنند و بالقوه کریم‌اند نیز اطلاق می‌گردد. چنانچه واژه اکرام که از کرم مشتق شده است به معنی کرم دیگران بوده؛ اما معادل یا مطابق بخشش نمی‌باشد. کرامت به معنی آزادی روح از اسارت تن و حریت خاص است؛ اما در اصطلاح دینی اسم عام است که اگر در مورد خداوند به کار رود به معنای احسان و انعام خدا است و اگر در مورد انسان به کار رود به معنای اخلاق و افعال نیکو و پسندیده است که از انسان ظاهر می‌شود. اگر معانی کرامت انسانی را به‌دقت موردتوجه قرار دهیم، می‌بینیم کرامت بیانگر دو نوع ویژگی و خصوصیت کاملاً متمایز از یکدیگر در موجود انسانی است. برخی از این ویژگی‌ها جنبه ارزشی دارند و رتبه، درجه و موقعیت و جایگاه اجتماعی، سیاسی، دینی و خانوادگی افراد را بیان می‌کنند؛ مثل کرامت شاه و شاهزاده و کرامت مؤمن. این نوع کرامت قابل‌اکتساب و سلب است و ممکن است کاهش یا افزایش پیدا کند، اما برخی از این نوع ویژگی‌ها مثل انسانیت، ذاتی انسان است و همان‌گونه که قابل وضع نیست قابل سلب از انسان نیز نیست، ذاتی انسان است. این نوع کرامت هیچ رتبه و درجه‌ای را بر نمی‌تابد و به ذات و هستی انسان بر می‌گردد؛ بنابراین می‌توان گفت که دو نوع کرامت انسانی را می‌توان تصور کرد؛ کرامتی که قابل‌تغییر نیست که به آن کرامت ذاتی می‌گویند و کرامتی که بر اساس ویژگی‌های اخلاقی و خصلت‌های روحی انسانی قابل‌تغییر است آن را کرامت اکتسابی یا کرامت ارزشی می‌نامند.

ب: در اصطلاح

کرامت انسانی به‌رغم اهمیت بسیار والایی که دارد تاکنون در هیچ یک از اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی تعریف نشده است. به نظر می‌رسد علت عدم تعریف کرامت انسانی به این امر بازگردد که کرامت انسانی موضوعی حقوقی نیست، بلکه مسئله‌ای

فلسفی است و یا حداقل جنبه‌های فلسفی آن بر جنبه‌های حقوقی‌اش ارجحیت دارد؛ لذا فلاسفه و اندیشمندان سعی کرده‌اند، کرامت انسانی را تعریف و معنای اصطلاحی آن را روشن نمایند. به گفته یکی از فعالان حقوق بشری به نام «هانا آرنه» که می‌گوید در مورد کرامت انسانی باید از زبان حقوقی استفاده کرد. حق برخورداری از حق، به‌منظور تضمین جدیدی برای کرامت انسانی باید استفاده شود. در برخی از آثار فلسفی این فعال و نویسنده حقوق بشری، از واژگان متفاوتی برای کرامت انسانی استفاده شده است؛ مثل: «عمل یا رویه» و «آزادی‌های عمومی» که وی این کار را به‌منظور جبران بی‌قانونی و عدم تبعیت مفهوم کرامت انسانی در حقوق موجود در جهان مدرن انجام داده است. به نظر عده‌ای، تعریف ایجابی از کرامت انسانی کار سختی است، بر همین اساس عمده مؤلفین تعریف‌های سلب از آن ارائه کرده‌اند که چه‌کارهایی را نباید انجام داد تا از خدشه به کرامت انسانی جلوگیری شود. در رویکرد سلبی نیز گفته شده که بهتر است تعریف، مصداقی باشد تا حول مفاهیم کلی.

راغب اصفهانی، کرامت را از دو جهت معنا می‌کند: کرامت خداوند و کرامت انسان. احسان و نعمت‌هایی که خدا می‌دهد و ظهور می‌کند، کرامت «فان ربی غنی کریم». جایی که بخواهد انسان توصیف شود نام آراستگی‌ها و افعال نیکی که از او آشکار می‌شود کرامت گفته می‌شود؛ ولی درباره او کریم نمی‌گویند. سپس راغب می‌گوید: «واژه کرامت معنای عامی دارد و هر چیزی که در جای خودش شرافت و بزرگی داشته باشد، کرامت می‌گویند»؛ به همین دلیل خداوند درباره گیاهان می‌گوید: «فأنبتنا فیها فی کل زوج کریم» (آیه ۱۰ سوره لقمان) درباره زراعت‌های خوب و ماندگار می‌گوید: «و زوروع و مقام کریم». اکرام و تکریم، چیزی است که به انسان نفع و فایده‌ای برسد، نفعی که در آن پیچیدگی و مانع نباشد.

آیت‌الله جوادی آملی، در تفسیر آیه «لقد کرما بنی آدم» (آیه ۷۰ سوره اسراء) می‌فرماید: «قرآن حکیم انسان را موجودی می‌شمارد که خداوند به وی کرامت بخشیده است». این کرامت یک ارزش نظری است که بعداً می‌تواند جنبه عملی پیدا کند؛ اما نباید گمان کرد که این ارزش نظری در ردیف اعتباریات جای دارد. کریم بودن انسان واقعیتی است همانند کریم بودن فرشتگان و قرآن که همه اینها مظاهر کرامت خداوندند. البته آن ذات اقدس بالذات کریم است. بدین ترتیب، کرامت انسان نشان‌دهنده آن است که وی حقیقتاً از لحاظ وجودی دارای امتیاز و برجستگی است. به دیگر بیان، کرامت انسان حاکی از آن است که وی دارای کیفیتی برتر و عالی است و گوهر برین موجودات جهان به شمار می‌رود. به همین دلیل، خداوند پس از آفرینش این گوهر ممتاز، به ابلیس خطاب می‌کند: «ما منعک أن تسجد لما خلقت بیدی»؛ این تعبیر، یعنی آفرینش انسان با دودست خدا، نشان‌دهنده آن است که انسان گوهری ارزشمند است، زیرا این تعبیر هنگامی به کار می‌رود که در انجام کاری، احترام ویژه‌ای منظور باشد. مثلاً اگر کسی به هنگام عطای چیزی، با دودست آن را عطا کند، نشانگر لطف خاص وی است، همان‌گونه که خداوند به گاه بخشش نیز چنین است: «یا باسط الیدین بالعطیة» با همین توضیح، روشن شد که هرگز مقصود از این‌گونه تعبیر آن نیست که خداوند دارای پیکره و اعضای مادی، و ازجمله دست باشد، بلکه آفرینش انسان با دودست، بدین معناست که همه شئون الهی در آفرینش او نقش داشته‌اند و از این‌رو انسان می‌تواند مظهر همه اسمای خداوند باشد و خلیفه او گردد. این کرامت نظری می‌تواند بزرگواری‌های ارزشی و عملی فراوانی را نیز به همراه داشته باشد. به دلیل همین کرامت، همه تعالیم اخلاقی و حقوقی باید با عنایت به این اصل نظری و در سازگاری کامل با آن تنظیم شوند. هنگامی که بپذیریم انسان گوهری کریم و ارزشمند است، خواه‌ناخواه بر این باور خواهیم بود که نه‌تنها آزادی، امنیت، و... حق اویند، بلکه باید به‌گونه‌ای تفسیر و تنظیم شوند که باکرامت وی سازگار باشند.

۱.۲. انواع کرامت انسانی

بادقت در معنای لغوی کرامت انسانی، در می‌یابیم که کرامت بیانگر دو نوع ویژگی کاملاً متمایز از یکدیگر، در موجود انسانی است. برخی از این ویژگی‌ها رتبه، درجه و موقعیت افراد را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، جایگاه اجتماعی، سیاسی، دینی و خانوادگی افراد را بیان می‌کند؛ مانند: کرامت شاه و شاهزاده و کرامت مؤمن. این نوع کرامت؛ یعنی کرامت اکتسابی و یا ارزشی قابل اکتساب و سلب است و چه‌بسا کاهش یا افزایش پیدا می‌کند؛ اما برخی از این ویژگی‌ها، مثل انسانیت ذاتی انسان بوده، نه

قابل سلب از انسان است و نه قابل وضع. این نوع کرامت که در اصطلاح به آن «کرامت ذاتی» گفته می‌شود؛ هیچ رتبه و درجه‌ای را بر نمی‌تابد. از دیدگاه اندیشمندان کرامت به دو نوع کرامت ذاتی و اکتسابی قابل تقسیم است که در ذیل به طور مختصر مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۱.۲.۱. کرامت ذاتی

منظور از کرامت ذاتی این است که انسان در آفرینش و سرشت خویش چنان ویژگی‌هایی را داراست که به وی جایگاه والایی در میان پدیده‌های جهان بخشیده است. بدین روی، همه انسان‌ها از آن برخوردارند و دقیقاً همین امر اقتضایی برابری همه انسان‌ها را دارد و هیچ انسانی بر دیگری برتری ندارد. این قسم از کرامت را می‌توان از آیه ۱۹ سوره اسراء به دست آورد. آیه شریفه می‌فرماید: «و به تحقیق فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنها را بر مرکب‌های دریایی و زمینی سوار کردیم و از هر غذای پاکیزه به آنها روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری دادیم و چه برتری‌دادنی»

از این آیه شریفه استفاده می‌شود که افراد انسانی به‌اضافه حق حیات و تکلیف دیگران به مراعات آن، دارای حق کرامت ذاتی هستند که مادامی که خود انسان آن کرامت و حیثیت را به جهت جنایت و خیانت بر خویشتن یا بر دیگران از خویشتن سلب نکند دیگران مکلف به مراعات این حق هستند همان‌گونه که مکلف به مراعات حق حیات یکدیگر هستند. بنا بر آیه فوق، خداوند «تکریم» را به خودش نسبت می‌دهد و آن چه که از این اسناد برداشت می‌شود، گرامی بودن آفرینش و سرشت انسان‌ها از هر گونه اوضاع و احوال و شرایط و موقعیت است که به کرامت ذاتی تعبیر می‌شود. برخی از مفسران گفته‌اند، این تکریم، ذاتی در دو بعد مادی و معنوی است. بعد مادی مربوط به بعد جسمی انسان‌ها است، مانند ایستاده راه رفتن، خوردن و آشامیدن با دست و... در این باره، آیه شریفه قرآن را که می‌فرماید: «خداوند همان است که زمین را برای شما محل سکونت قرار داد و آسمان را بنایی ساخت و شما را صورت گفتاری کرد و صورت‌هایتان را نیکو نمود، و شما را از پاکیزه‌های مادی، چون اموال و اولاد و همسران و معنوی چون عقل و علم و دین روزی نمود. این خداوند پروردگار شماست، پس مقدس و پرخبر و برکت است خداوند که پروردگار جهانیان است». گواه بر سخن خود گرفته‌اند. در بعد معنوی نیز گفته‌اند که خداوند به انسان عقل و اختیار بخشیده است. بدین روست که خداوند در سوره مؤمنون پس از بازگ کردن آفرینش مادی و معنوی انسان، آن را با خیر و بهترین خلقت، توصیف می‌کند. توصیف به نیکوترین آفرینش، هم برای بعد جسمانی و هم بعد معنوی انسان است و دلیلی وجود ندارد که آن را ویژه‌ی آفرینش معنوی بدانیم.

۱.۲.۲. کرامت اکتسابی

منظور از کرامت اکتسابی این است که آدمی با تلاش و مجاهدت در زمینه‌های دانش، ادب و عمل صالح، برای خود جایگاه والایی را نزد خویش، جامعه و نزد خداوند، به دست آورد. آیه شریفه سوره حجرات که می‌فرماید: «ای مردم، بی‌تردید ما همه شما را از یک مرد و زن (آدم و حوا) آفریدیم، و یا هر فرد شما را از یک پدر و مادر خلق کردیم و شما را قبیله‌های بزرگ و کوچک قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید. پس در میان شما برتری نژادی نیست؛ بلکه مسلماً گرامی‌ترین شما در نزد خدا پرهیزکارترین شماست. همانا خداوند بسیار دانا و آگاه است». این قسم از کرامت را می‌گوید. طبق این آیه، کرامتمندترین انسان‌ها کسی است که با مراقبت بر خویش و مجاهدت و نظارت بر غریزه‌ها و هوس‌های خود، زمام آن‌ها را به دست بگیرد و در مسیر قرب خداوند، حرکت می‌کند. به دیگر سخن، آیه شریفه می‌فرماید، «گرامی‌ترین شما کسی است که سرمایه‌های انسانی خود را بیشتر به کار گیرد و نشانه‌های انسانیت را در خود نمایان تر کند، زمام غریزه‌ها و گرایش‌های خودخواهانه و حیوانی خود را به دست گیرد و خویش را از چنگال آن‌ها رها کند و به مقام رستگاری برسد. چنین کسی انسان‌ترین است و نفخه‌ی الهی را در خود بارور ساخته است. در واقع، این‌گونه انسان‌ها کرامت ذاتی خود را سرمایه دستیابی به کرامت اکتسابی می‌کنند و آن را فزونی می‌بخشند».

از نگاه دین‌باوران، آفرینش خداوند برای دستیابی به این نوع از کرامت است که اصطلاحاً به آن «مقام قرب الهی» گفته می‌شود. «قرب الهی»، نزدیکی به اوست؛ بنابراین، کرامت ذاتی سرمایه‌ی کرامت اکتسابی است و کرامت اکتسابی، کمال کرامت ذاتی است و کرامت اکتسابی در دل کرامت ذاتی که همان تأمین حقوق اساسی اوست، شکوفا می‌شود.

۱.۳. کرامت انسانی^۱ به‌عنوان مبنای حقوق انسانی

ذکر این نکته دارای اهمیت است که رعایت حقوق دفاعی با رعایت شخصیت انسانی فرد پیوندی عمیق دارد. باید توجه داشت که اصل رعایت کرامت انسانی مفهومی است عمیقاً متافیزیکی، اخلاقی و همچنین فلسفی و مذهبی. چنان که «موتو»^۲ در نوشتار خود با عنوان «کرامت انسانی در حقوق» بیان داشته است: «دیگر این امکان وجود ندارد تا مسئله کرامت، خارج از حوزه حقوق قرار بگیرد». از این‌بعد باید این‌گونه عنوان داشت که کرامت از یک سو به‌وسیله حقوق^۳ دریافت شده و پذیرفته شده است و از سوی دیگر، بررسی کرامت بدون در نظر گرفتن حقوق و بررسی حقوق بدون رعایت الزامی کرامت انسانی، در حقیقت ناممکن است (Moutouh, 1999: 166-361).

در اینجا می‌توان به این مسئله اشاره داشت که در میان صاحب‌نظران، در مورد کرامت اختلاف‌نظر وجود دارد. به نظر برخی، کرامت یک حق ساده شخصی^۴ است که به فرد تعلق دارد، درحالی‌که به نظر برخی دیگر کرامت فراتر از این‌گونه از تعاریف قرار دارد. از نظر این دسته، هرچند میان حقوق و کرامت هیچ تفاوتی از نظر درجه وجود ندارد؛ اما این دو از نظر ماهیت متفاوت‌اند (de Villiers et Le Divellec.: 2013.321). در واقع، می‌توان با توجه به نظر برخی نویسندگان عنوان داشت که کرامت ستونی را تشکیل می‌دهد که بر پایه آن، فلسفه حقوق بشر بنا نهاده می‌شود که خود اصلی است فرا اساسی. در حقیقت رعایت کرامت انسانی آن‌چنان دارای اهمیت است که به‌طور قطع به‌عنوان پایه اساسی بسیاری از حقوق انسانی در نظر گرفته می‌شود. از آنجایی‌که این اصل در اعلامیه‌ها و معاهدات بین‌المللی متعددی نیز ذکر شده است؛ در حال حاضر کرامت انسانی علاوه بر این که به‌عنوان یک حق یا مجموعه‌ای از حق‌های جدایی‌ناپذیر در نظر گرفته شده، به‌عنوان یک ستون و پایه حقوق بشر در نظر گرفته شده و توسعه پایدار هر جامعه‌ای، رعایت آن را طلب می‌نماید؛ در غیر این صورت، ارزش‌هایی همانند آزادی و برابری، دیگر به‌اندازه کافی دارای مفهوم نبوده و رنگ خواهند باخت. اهمیت اصل کرامت تا بدان‌جا است که در نظر برخی، این اصل در کنار «آزادی توأم با مسئولیت افراد ملت در برابر خداوند» به‌عنوان شرط ادامه حیات نظام جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده است.

۱.۴. کرامت انسانی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

در نظام حقوق جمهوری اسلامی ایران، مفهوم کرامت و همچنین ضرورت رعایت حقوق انسانی از موضوعات بسیار مهمی هستند که در ارتباط با عدالت، آزادی و توجه به حقوق و آزادی‌های اساسی افراد مطرح هستند.^۵ باید توجه داشت که این مفاهیم در برخی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۶ و همچنین در مقدمه آن ذکر گردیده‌اند.^۱

^۱ Dignité humaine / Human dignity

^۲ Moutouh

^۳ Droit / Law

^۴ Subjectif

^۵ همان‌طور که دکتر قاری سید فاطمی بیان می‌دارند: مطابق با فلسفه کانت، کرامت به‌عنوان پایه و اساس حقوق و آزادی‌ها و در چارچوب یک قرارداد پایه‌گذاری شده بر انتخاب انسان دانا و انتخابگر، توصیف گردیده است (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۲: ۸۳۷). در این خصوص این تعبیر کانت قابل توجه است: «آن‌چنان رفتار کن که همراه انسانیت باشد، آن‌گونه که با هر فرد دیگری همانند خود رفتار کنی». در همین ارتباط و در خصوص مفهوم کرامت در فلسفه اسلامی (ر. ک: کمیته علمی همایش، ۱۳۸۵؛ بهشتی و باهنر، ۱۳۸۲).

^۶ اصل دوم: جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به (...) ۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا (...) اصل سوم: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کاربرد (...)» ۱. بالابردن

همچنین، بررسی مشروح مذاکرات خبرگان قانون اساسی نیز تأییدکننده این موارد است. آیت‌الله بهشتی به‌عنوان یکی از تدوین‌کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در مقام دفاع از پیشنهاد قرارداد اصل کرامت به‌عنوان اصلی حقوقی در قانون اساسی برآمده بود. در نظر مدافعان این اصل، هنگامی که جمهوری اسلامی به کرامت و ارزش‌های انسانی توجه می‌ورزد، قانون‌گذار نیز موظف به رعایت کرامت انسانی است (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۱۳۱) در حقیقت، این امر بیانگر این مسئله است که کرامت انسانی یک اصل پایه‌ای برای دستیابی به حقوق و منافع تمام اقشار ملت و به‌دوراز تبعیضات ناروا و بدون توجه به هرگونه وابستگی قومی و مذهبی آنها است.

باتوجه به مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی می‌تواند این‌گونه عنوان گردد که ذکر کرامت انسانی در میان مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، تنها متأثر از مباحث بین‌المللی موجود در زمینه حقوق بشر و در منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نمی‌باشد. در واقع با این دیدگاه که نگاه قوه مؤسس به لزوم حمایت از حقوق ملت، با در نظر گرفتن اهمیت رعایت کرامت انسانی بوده است؛ در نتیجه، اصول بسیاری به‌خصوص در فصل حقوق ملت می‌توان برشمرد. البته به نظر به‌منظور تبیین و روشن‌سازی جایگاه کرامت انسانی در نظام حقوقی ایران است. بنابراین، کرامت انسانی به‌عنوان طریقی برای دستیابی به تمامی اهداف مقرر در قانون اساسی بررسی می‌گردد. این امر بیانگر این حقیقت است که دیگر هیچ هدف و همچنین منفعتی بالاتر از کرامت انسانی نمی‌باشد. به‌عبارت دیگر، نمی‌توان کرامت انسانی را در راه دستیابی به منافع دیگر فدا نمود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاجی است ناگزیر به‌منظور عینیت‌بخشیدن به آزادی‌ها و کرامت ایرانیان؛ بنابراین قانون اساسی تعهدی تعیین‌کننده برای تمامی افراد و به‌خصوص قوه مقننه است تا با ایجاد شرایط لازم، از یک سو عدالت، آزادی، برابری، برادری و پیشرفت توأمان فرد و اجتماع از طریق رعایت کرامت انسانی، و از سوی دیگر مقتضیات آن و نتایج آن تحقق یابند.

برخی، در این مفهوم تناقضاتی نیز به چشم می‌خورد؛ باید توجه داشت که با در نظر گرفتن اینکه حمایت کامل از حقوق بنیادین افراد، رعایت کرامت انسانی آنها را هم در بر می‌گیرد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اینکه حقوق افراد را به‌خصوص در فصل حقوق ملت پیش‌بینی کرده، حمایت خود را نیز اعلام داشته است. در ارتباط با حقوق بنیادینی که تضمین گر حقوق فردی و اجتماعی افراد هستند، لازم به یادآوری است که اداره‌شوندگان نیز در برابر اداره و در دادرسی‌هایی که علیه آنها آغاز گردیده، از حقوق دفاعی برخوردار هستند.

۲. تعهدات و وظایف دولت در تأمین و تضمین حق کرامت انسانی

سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر. ۲. مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش. ۸. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی. ۱۰. ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور. ۸۴. تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون. اصل بیستم: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» اصل بیست و دوم: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»

اذکر این نکته قابل‌اهمیت است که مفهوم کرامت علاوه بر اصول مذکور در قانون اساسی، به‌خوبی در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز موردتوجه قرار گرفته است: «پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت انسانی بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید بر عهده همگان است.» در حقیقت، باتوجه به ذکر کرامت انسانی در مقدمه، از یک سو به‌منظور ارزش‌گذاری سایر اصول مقرر در متن قانون اساسی بوده و از سوی دیگر، برای نمونه، اصل دوم قانون اساسی در بیان مبانی و زیرساخت‌های نظام حکومتی جدید جمهوری اسلامی، شش مبنا را بیان داشته و در مبنای ششم به‌صراحت بر کرامت انسانی تأکید ورزیده (مهرپور، ۱۳۸۲: ۱۱) و در نتیجه، این اصل همچون شرطی لازم برای تکوین نظام جمهوری اسلامی (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۳۰) و مبنای حاکمیت نظام (حبیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۳) در نظر گرفته شده است. این نکته نیز قابل‌ذکر است که ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، دکتر حسن روحانی در ابتدای اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۸۷ فرمودند: «اولین وظیفه ما در قبال مردم، احترام به شخصیت و جایگاه و کرامت مردم است. کرامت انسانی را خدا به انسان‌ها داده و این کرامت مقدم بر دین است. کرامت همه باید حفظ شود.»

کرامت انسانی به سبب داشتن استقلال ذاتی، آزادی اراده و اختیار، قدرت انتخاب و توانایی تعقل و تفکر و همچنین دارا بودن وجهه و نفخه الهی است، لذا احترام به این کرامت، مستلزم احترام به استقلال و آزادی انسان و قدرت انتخاب و تفکر و تعقل اوست. لذا در این خصوص، دولتها تکلیف به حراست و صیانت از این حق را دارند. از آنجایی که کرامت انسانی مبنای حق های بشری است بنابراین دامنه شمول فراوانی داشته و دولتها براساس مقتضیات حق و حفظ منزلت انسانی، تمهیداتی را بکار می بردند در ذیل برخی از حق ها و نقش دولت برای تامین کرامت انسانی بررسی می گردد.

۱.۲. تبیین مفهوم حق و تعهد

حقوق و تعهدات دو روی یک سکه اند حق بدون تکلیف معنایی پیدا نخواهد کرد. در این مجال که تعهدات و مسئولیت دولت مورد بررسی قرار خواهد گرفت، پیش از آن، پیش درآمدی به تبیین دو مفهوم اصلی و کلیدی این بخش خواهیم داشت.

۱.۲.۱. مفهوم حق

گفتمان حق در زمان معاصر گفتمان غافل در ساحت حقوق و سیاست است به گونه ای که میتوان زمان کنونی را عصر حق نامید. ارزش های بنیادینی چون آزادی، برابری و عدالت در گفتمان یادشده با بهره مندی از واژه حق و ظرفیت مفهومی آن بیان میشود حق در دو مفهوم بکار برده می شود. حق در معنای حق داشتن^۱، که مفهوم آن به جایگاه و موضع وابسته است. حق بدین معناست که صاحب آن در وضعیت و موقعیت خاصی قرار دارد و نظام حقوقی کشور صاحب حق را در جایگاه ویژه ای قرار داده است.

مفهوم دیگر حق در معنای حق بودن^۲ است. حق بودن به معنای درست بودن و برحق بودن است. حق در این معنا در اخلاق و متفکران مکتب حقوق فطری ریشه عمیقی دارد. در این معنا؛ درست بودن در مقابل بد بودن قرار می گیرد. در این معنا، هر آنچه قانون است لزوماً به معنای حق بودن نیست بلکه آن چیزی حق است که با حقوق ذاتی انسان همسو باشد. در مکاتب دینی، حق مفهومی اعتباری است که منشا آن در خداوند است. در این رویکرد، انسان موجودی است که از عقل کاملی برخوردار نیست و نمی تواند تمام امور خود را اداره نماید. لذا ایجاد و ثبوت هر حقی از جانب خداوند باری تعالی است. با مفاهیم ارائه شده می توان بیان کرد، حق مفهومی است که با رویکرد و مکتب فکری ارتباط مستقیم و معنا داری دارد. طرفداران مکتب پوزیتویسم، حق را ریشه در اعتباری می دانند که مقنن به موجب قانون وضع کرده است؛ و هر امتیاز و صلاحیتی را که قانون گذار اعطا کند اشخاص دیگر نمی توانند آن را سلب کنند. همانطور که ذکر شد، حق در مکتب حقوق طبیعی، ریشه در ذات و فطرت انسان دارد.

با عنایت به مطالب گفته شد، بسیاری از حق های بشری ریشه در فطرت و ذات انسانی دارد و دولتها مکلف به صیانت و حمایت از این حقوق هستند و نباید مانعی ایجاد نمایند. حقوق بشر، گفتمانی است که ریشه در کرامت انسانی دارد. نسل اول حقوق بشر در واقع حقوق مدنی و سیاسی هستند که حقوق فردی و سلبی میباشد. حقوقی که با توجه به بدبینی به قدرت دولتها و آغاز مدرنیته و توجه به برابری و شان انسانی و کارکرد حداقلی دولت پایه ریزی شد. در نسل اول حقوق بنیادینی چون حق حیات، آزادی عقیده، آزادی بیان، اجتماع، امنیت مورد شناسایی قرار گرفته است.

۱.۲.۲. مفهوم تعهد

تعهد یا "Obligation" واژه ای عام و برگرفته از ادبیات لاتین است که به تناسب متنی که در آن بکار رفته است، معانی بسیار گسترده و متنوعی پیدا می کند. مهمترین معانی اقتباس شده عبارتند از: آنچه یک شخص ملزم به فعل یا ترک آن است، تکلیفی که به وسیله قانون بر اشخاص تحمیل می گردد، وعده، قرارداد، روابط اجتماعی، قانون یا تکلیفی که طرفین را ملزم به

¹ To have right

² To be right

انجام توافقات خود می‌کند برعهده گرفتن انجام و اجرای امری. تکلیف می‌تواند منبعث از قانون یا قرارداد باشد که تعهدات قراردادی یا قانونی از مصادیق بارز تعهد هستند.

تعهد دارای چندین ارکان است، متعهد، متعهدله و موضوع تعهد. تعاریف متعددی از متعهد ارائه شده است، متضمن تعهد را متعهد نامیده و طرف مقابل متعهد، متعهد له نام گرفته است. بعبارتی، شخصی که تکلیفی بر عهده دارد؛ متعهد و شخصی که تعهد به نفع وی مستقر گشته، متعهدله است. موضوع یا متعلق موضوع تعهد در مفهوم عام، فعل یا ترک فعل مستظهر به الزام دولتی در برابر شخص یا اشخاص دیگر است. از این رو، می‌توان به صرف ضرورت وجود سه مؤلفه اساسی در تعهد به مفهوم عام اشاره کرد: الف. تکلیف؛ ب. الزام مقام صلاحیت‌دار؛ ج. تقید و انتساب به یک مکلف و ذی‌حق فرضی.

دو کلمه ای که معمولاً مترادف قرار گرفته اند، تعهد و مسئولیت است. جوهر و ماهیت اصلی تعهد همان تکلیف است. درحالی‌که، گوهر مسئولیت و ضمان را یک وضعیت حقوقی تشکیل می‌دهد. این وضعیت در ضمان قهری مسبوق به یک تکلیف است، و در پی آن نیز تکلیف دیگری پدید می‌آید. ولی این تکالیف خارج از حقیقت و عناصر مفهومی آن هستند؛ اگرچه از نظر حقوقی و گاهی حتی اخلاقی با هم ملازمه وجودی دارند.

۲.۲. حق بر آموزش و تحصیل و کرامت انسانی

حق بر آموزش، حقی بشری، بنیادی و جهانی می‌باشد و اختصاص به شهر و کشور مشخصی ندارد هنگامی که سخن از حقوق می‌آوریم، حقوقی هستند همگانی، جهان شمول و فرامرزی. حقوقی که همه انسانها را به دلیل انسان بودن در بر گرفته است فلذا فارغ از رنگ، نژاد، دین، مذهب، جغرافیا و جنسیت همه افراد حق بر کسب علم و آموزش و سواد دارند. به دلیل اهمیت آموزش و تحصیل، روز ۲۴ ژانویه به عنوان روز جهانی حق بر آموزش به رسمیت شناخته شده است.^۱ (<https://iran.un.org>) حق آموزش در قانون اساسی ایران در اصول مختلفی مورد اشاره قرار گرفته است. در کنار بند سوم و چهارم اصل سوم و اصل سی ام که مهم ترین اصول در این راستا هستند؛ دربند یازدهم اصل سوم به تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ است. تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور اشاره شده است. اصل چهل و سوم، برطرف شدن بسیاری از مشکلات جامعه را در تأمین نیازهای اساسی از جمله آموزش و پرورش دانسته است؛ علاوه بر آن، دولت بنا بر اصل یکصد و چهل و هفتم موظف شده است در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای آموزشی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند؛ بنابر اصل یکصد و پنجاه و یکم نیز دولت موظف است برای همه افراد کشور، برنامه و امکانات آموزش نظامی را برطبق موازین اسمی فراهم سازد. همانگونه که بیان شد بند سوم و چهارم اصل سوم و اصل سی ام ق.ا.م مهم ترین اصول مربوط بهحق آموزش هستند.

در خصوص مولفه های حق آموزش در این دو اصل میتوان به رایگان بودن، همگانی بودن، اجباری بودن و به عدم تبعیض در میان اتباع کشور اشاره کرد. نخستین مولفه حق آموزش در قانون اساسی، رایگان بودن آموزش است. رایگان بودن آموزش تا پایان دوره متوسطه در قانون اساسی تصریح شده است. دراسناد بین المللی نیز حق آموزش به رسمیت شناخته شده است ودولت ها دارای تعهد به احترام، تضمین و اجرای موثر هستند. در ماده ۵۵ منشور ملل متحد بر همکاری در عرصه های فرهنگی بدون هیچگونه تبعیض تاکید شده است که عرصه های فرهنگی با حوزه های آموزش ارتباط دارد

در شریعت اسلام حق آموزش و آگاهی جزء حق ذاتی انسان برشمرده شده است. اولین آیه قرآن با «خواندن» شروع می‌شود، در سوره الرحمن تأکید می‌شود، به محض اینکه انسان خلقت پیدا کرده است علم آغاز شده است و علم به همه انسانها آموزش داده شده است، «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (سوره علق)، این نشان‌دهنده این است که در نگاه قرآنی توجه به بحث

¹ <https://iran.un.org/1402/02/09> 14:40:17

آموزش در همه اشخاص وجود دارد. در روایات و احادیث متعدد که بسیار زیاد هستند، مشاهده می‌شود که به جایگاه علم، عالم، آموزش و امثال اینها چه توجهی شده است. در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام که در کتاب منتخب میزان‌الحکمه نقل شده است، «فی قوله تعالی و لا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ لِيَكُونَ النَّاسُ عِنْدَكَ فِي الْعِلْمِ سَوَاءً» یعنی «منظور خداوند در این آیه که می‌فرماید رویت را از مردم برنگردان آن است که مردم در بحث آموزش و علم باید یکسان باشند»؛ بنابراین نباید افراد را از آموزش منع کرد.

علم چنان نقش ارزنده ای در حیات الهی انسان دارد که علم آموزی به فرموده پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - فریضه است: طلب العلم فریضه علی کل مسلم علم آموزی بر هر مسلمانی واجب است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم - در روایت دیگری فرموده اند: کسی که راه علم آموزی را می‌پوید خداوند او را در راهی به سوی بهشت پیش می‌برد اهمیت علم و علم آموزی چنان که گفته شد از آن روست که معارف لازم برای سعادت از طریق علم آموزی و بکارگیری قوه تفکر و اندیشه به دست می‌آید. معارف سعادت بخش اعم از معرفت خداوند و شناخت راه رسیدن به اوست. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - نقل شده است: چون روزی آید که در آن علمی که مرا به خداوند نزدیک کند بر من افزوده نشود مرا در طلوع خورشید آن روز مبارکی نیست ([//hawzah.net](http://hawzah.net))

امام صادق - علیه السلام - نیز فرمودند: اکثر الناس قیمة اکثرهم علماً. علم موجب نزدیکی به خداست.

علاوه بر اینکه آموزش حقی برای شهروندان و تکلیفی برای دولت است، از سوی دیگر بای در این خصوص تمرکز و سرمایه گذاری نیز صورت بگیرد؛ زیرا. آموزش و پرورش با تغییر طرز فکر و ارزش‌های افراد، تأثیر مستقیم بر رشد و توسعه کشور دارد و نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه توسعه کشورها نشان‌دهنده رابطه مثبت بین بهبود آموزش عمومی و میزان رشد اقتصادی است. به همین دلیل است که نه‌تنها اندیشمندان حوزه آموزش و پرورش بلکه اقتصاددانانی که به مباحث توسعه می‌پردازند، به نقش سواد عمومی افراد جامعه، توجه ویژه‌ای دارند و بیان می‌کنند که کشورهای درحال توسعه برای رسیدن به توسعه و رشد پایدار، باید بر روی آموزش‌های عمومی مردم، به‌ویژه روستاییان و افراد ساکن در مناطق کم‌درآمد، سرمایه‌گذاری بیشتری کنند. هرچند که ثمره این سرمایه‌گذاری در درازمدت مشخص می‌شود و نیازمند طرح‌ها و برنامه‌های منسجم با افق بلندمدت است. علاوه بر جنبه سرمایه‌گذاری، آموزش و پرورش را می‌توان به‌عنوان کالای مصرفی نیز دید. در این دیدگاه، افراد با صرف هزینه بر روی آموزش خود، می‌توانند موقعیت‌های شغلی بهتر، درآمد بالاتر و در نتیجه رفاه نسبی بیشتری را کسب کنند از آنجاکه رشد مغز در سال‌های ابتدایی کودکی صورت می‌گیرد و قدرت یادگیری و پردازش در این سنین بیشتر است و با گذر عمر، سرعت یادگیری افراد روبه‌زوال می‌رود، به دولت‌ها توصیه می‌شود که زیرساخت‌های مناسب برای آموزش و رشد کودک را از همان دوران بارداری از طریق تشکیل کلاس‌هایی برای والدین و برنامه‌های آموزشی مناسب برای کودکان خردسال فراهم کنند. علاوه بر این، سال‌های نوجوانی نیز، دوره دیگری از رشد مغز است که نیازمند کسب آموزش مناسب و همچنین حمایت از سمت محیط آموزشی است تا برای کسب دانش و مهارت لازم برای ورود به زندگی مستقل و انتخاب شغل مناسب آماده شوند.

باعنایت به مطالب ذکر شده، جای تردید باقی نیست که کرامت انسانی در گرو آموزش، پرورش، ترویج حقوق شهروندی و حقوق ذاتی است. شهروندی که آموزش ندیده کمتر از جایگاه و حقوق خود آگاه است اما درمقابل هنگامی که سطح آموزش و تحصیل در جامعه ای بالا برود شهروندان با آگاهی از حقوق شهروندی خود و مطالبه گری سبب می‌شوند که دولت‌مردان کرامت انسانی آنها را پاسداشت و با هر ابزار و ترفندی آن را مورد تحدید قرار ندهند.

۲.۳. کرامت انسانی و حفظ حریم خصوصی

حریم خصوصی ازجمله معانی ومفاهیمی است که تبیین دقیق و جامعی از آن بعمل نیامده است. حریم خصوصی در مقابل حریم عمومی معنای واضح تری پیدا میکند؛ اما به راستی حریم خصوصی چیست؟ با حضور چند نفر این حریم خصوصی است

یا نقض می‌شود؟ حریم خصوصی مفهومی است که تعریف آن به شرایط محیطی بستگی دارد. حریم خصوصی از منظر لغوی: حریم خصوصی از دو بخش تشکیل شده است. حریم به معنای مکانی که حفاظت و دفاع از آن واجب باشد تعریف شده است. حریم خصوصی مفهومی سیال است که از بعد زمان، مکان، جابجایی، تحولات اجتماعی، سیاسی قابل تغییر است. در قانون اساسی، اصل یا اصول خاصی که از حریم خصوصی صراحتاً حمایت کرده باشد وجود ندارد؛ اما در برخی اصول قانون اساسی با تأسی از اصول حقوقی اسلام، حمایت از حریم خصوصی مورد توجه قرار گرفته که در برخی از اصول می‌توان مبانی حفظ حریم خصوصی را مشاهده کرد: از جمله می‌توان به اصول ۲۵، ۲۳، ۲۲ و ۳۹ اشاره کرد. در اصل ۲۲، حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص مصون از تعرض اعلام شده است؛ در اصل ۲۳، تفتیش عقاید ممنوع شده؛ اصل ۲۵، بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور و عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس را ممنوع دانسته و بالاخره آنکه در اصل ۳۹، هتک حرمت و حیثیت اشخاصی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده‌اند به هر صورت که باشد ممنوع شناخته شده است. در تمامی اصول فوق، کرامت و شأن انسانی، رشد فردی و توسعه کمال انسانی، از مبانی حفظ حریم خصوصی و حق بر حفظ این حریم است. بعبارتی حمایت از کرامت و شخصیت افراد عایت این حق بشمار می‌آید.

در لایحه حریم خصوصی که چندی پیش از سوی کمیسیون لوایح دولت تهیه و به مجلس ارائه شد، در اول ماده بند ۲ در تعریف حریم خصوصی قید شده بود: حریم خصوصی قلمروی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی بدان وارد نشوند یا بر آن نظارت نکنند، یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته باشند، یا آن قلمرو را مورد تعرض قرار ندهند. جسم، البسه، اشیاء همراه افراد، اماکن خصوصی و منازل، محل کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران حریم خصوصی محسوب می‌شوند.

دولت در مقابل حریم خصوصی افراد دارای تکلیف می‌باشد زیرا همانگونه که ذکر شد حریم خصوصی، از حقوق بنیادین بشر و ارتباط مستقیم و معنا داری با اصل کرامت انسانی دارد. در ذیل برخی از تمهیدات دولت در راستای حفظ حریم خصوصی افراد ذکر می‌شود. ذکر این نکته لازم و ضروری است که به دلیل طبع و سرشت زیاده خواه و قانون گریز انسان، اگر مقنن اقدام به تصویب مقرر نه نماید، حریم خصوصی افراد چه بصورت فیزیکی و چه در فضای سایبر مورد تعرض قرار می‌گیرد. در ذیل برخی از موارد ذکر می‌شود.

دستور العمل بهبود حفاظت از حریم خصوصی کاربران و شیوه جمع آوری، پردازش و نگهداری اطلاعات کاربران در سامانه‌ها و سکوه‌های فضای مجازی (<https://rc.majlis.ir>)

شورای عالی فضای مجازی در مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۱ دستور العمل فوق را ابلاغ نمود. این دستور العمل برای کاهش مخاطرات نقض حریم خصوصی کاربران و حمایت از آنها در برابر تهدیدات سایبری، اشخاص حقوقی غیردولتی و دستگاه‌های اجرایی کشور را به رعایت قواعد جدیدی در حوزه پردازش و نگهداری داده‌های مرتبط با کاربران در سامانه‌ها و سکوه‌های فضای مجازی ملزم کرد.

این دستور العمل که در قالب بخش نخست از سند مادر «سیاست‌ها و الزامات حفاظت از داده‌ها» تدوین شده است، کلیه ارائه دهندگان خدمات فضای مجازی را ملزم به اعلام دقیق و شفاف سیاست‌های حفظ حریم خصوصی و اخذ رضایت صریح از کاربران در خصوص این سیاست‌ها می‌کند.

الف/ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲

-در ماده ۵۸ آمده است:

ذخیره، پردازش و یا توزیع «داده پیام»‌های شخصی مبین ریشه‌های قومی یا نژادی، دیدگاه‌های عقیدتی، مذهبی، خصوصیات اخلاقی و «داده پیام»‌های راجع به وضعیت جسمانی، روانی و یا جنسی اشخاص بدون رضایت صریح آنها به هر عنوان غیرقانونی است. این ماده بنظر میرسد در خصوص تحصیل دلیل و جمع آوری نباشد و بیشتر تأکید مقنن بر اعمال ممنوع است؛ زیرا ذخیره داده‌ها ناظر به نگهداری است تا گردآوری.

قانون جرایم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸

در قانون جرایم رایانه ای جرایم علیه محرمانگی داده ها و سیستم های رایانه های ومخابراتی و جرایم علیه صحت و تمامیت داده و سیستم های رایانه ای ومخابراتی بیان شده است. در ماده ۱ آمده است: هرکس به طور غیرمجاز به داده ها یا سامانه های رایانه ای یا مخابراتی که به وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است دسترسی یابد به حبس یا جزای نقدی محکوم می شود. این ماده نقض تحصیل داده ها به شکل غیرمشروع جرم انگاری شده است. آیین نامه واحدهای ارائه کننده خدمات اطلاع رسانی و اینترنت مصوب ۱۳۸۰ ۵-۳-۱۵ حریم اطلاعات خصوصی کاربران از مصونیت برخوردار بوده و هرگونه دسترسی غیرقانونی توسط رساها و هر مرجع دیگر به فعالیتهای اینترنتی کاربران ممنوع می باشد.

۲.۴. حفظ منزلت انسانی در نهاد خانواده و مسئولیت دولت

در فرهنگ ایرانی و اسلامی خانواده اهمیت خاصی دارد. بر مبنای شریعت و قانون گذاری زوجین در تعیین و میزان بسیاری حقوق مالی و غیر مالی دارای آزادی اراده هستند اما به دلیل اینکه خانواده اصلی ترین کانون اجتماعی جامعه است محدودیت هایی نیز بر اراده افراد تحمیل شده است. بطور مثال در عقد نکاح حق فسخی وجود ندارد. به بیانی دیگر، عقد نکاح از عقود لازم است و مصلحت و ضرورت استمرار و دوام و ثبات خانواده نیز اقتضای این را دارد.

نخستین واحد زندگی اجتماعی و یکی از اساسی ترین نهادهای جامعه است که مرکب از زن و مرد که ممکن است کودکانی هم داشته باشند. خانواده پیوندی است که با نهاد ازدواج، که به تصویب جامعه رسیده، تشکیل و حقوق و تکالیف افراد نسبت به یکدیگر از ویژگی های خانواده شمرده می شود و یکی از نهادهای اجتماعی که ماهیت سیال و شناور داشته و در نتیجه قابلیت تغییر و تحول در سایر نهادهای اجتماعی را نیز دارا می باشد.

خانواده بنیان گذار بخش مهمی از سرنوشت انسان است و در تعیین سبک و خط مشی زندگی آینده، اخلاق، سلامت و عملکرد فرد در آینده نقش بزرگی بر عهده دارد. عواملی چون شخصیت والدین، سلامت روانی و جسمانی آنها، شیوه های تربیتی اعمال شده در داخل خانواده، شغل و تحصیلات والدین به وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده، محل سکونت خانواده، جمعیت خانواده، روابط اجتماعی و متغیرهای دیگر نهاد خانواده را تحت تاثیر قرار می دهند.

با عنایت به مطالب فوق الذکر مشخص و محرز است که خانواده نهاد بنیادین و زیر بنای جامعه است که هر آسیبی در خانواده و هر آسیبی در جامعه موجب تاثیر پذیری این دو نهاد از یکدیگر می باشد. خانواده از بی بدیل نهادهای غیر سیاسی میباشد که در همه جوامع بر حضور و کارکرد آن توافق نظر وجود دارد. طلاق یکی از آسیب های اجتماعی است که هم به کانون خانواده و هم جامعه آسیب می زند. از آنجا که نکاح امری مقدس در قرآن و اسلام بوده و زوجین برای تکامل روحی یکدیگر، کسب آرامش و حفظ شان و منزلت انسانی از بدو خلقت کنار هم قرار داده شده اند لذا پیشگیری از هم گسستگی این نهاد اصلی جامعه و حفظ کرامت انسانی زوجین و نهاد خانواده از تکالیف دولت می باشد.

آمار فزاینده طلاق در دهه های اخیر در کشور آمار نگران کننده ای است که این مسئله نیاز به تحلیل و واکاوی های بیشتری دارد.

در نخستین گام در واکاوی طلاق در ایران شاید نداشتن مهارت های ارتباط زناشویی لازم و عدم آموزش کافی در این زمینه در هیچ کدام از مقاطع تحصیلی و آموزشی و متناسب نبودن پرسونالیتی فردی و خانوادگی زوجین در کنار عوامل اقتصادی و فرهنگی، اجتماعی مهمترین دلیل فروپاشی شکل های خانوادگی در جامعه در حال گذار از سنت به مدرنیته ایرانی باشد. دولت موظف است راهکارها و اقداماتی را به جهت پیشگیری از وقوع طلاق و کاهش آمار طلاق در جامعه انجام دهد؛ زیرا همانطور که بیان شد طلاق پدیده ای است که آثار سوء آن نه تنها زوجین، کودکان بلکه جامعه را درگیر می کند و آسیب های اولیه و ثانویه ای گسترده ای را می تواند با خود همسو کند.

اگر به خانواده بعنوان سرمایه‌ی اجتماعی نگریسته شود، بنابراین سیاستهای متخذه و سیاست گذاری ها باید در راستای حفظ کیم و کرامت انسانی در کانون خانواده باشد. در مقدمه قانون اساسی آمده است:

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است.

اصل دهم قانون اساسی مقرر میدارد:

از آنجا که خانواده واحد بنیادین جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

بهترین راه کاستن از آسیب‌های طلاق، پیشگیری از وقوع آن است. از این رو به موازات اجرای طرح‌های کلان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی، بازنمایی، بازگویی و آگاهی‌بخشی درست و واقعی آسیب‌های پس از طلاق به خانواده‌ها، آموزش مهارت‌های زندگی در اصلاح و بهبود رابطه زناشویی، توجه به سلامت روانی و شخصیتی پیش از ازدواج، فرهنگ‌سازی در خصوص الگوی هویت و ارزش‌های خانواده ایرانی، نهادینه کردن روابط مبتنی بر هنجارهای دینی و اخلاق، از طریق رسانه‌ها، آموزش و پرورش و نهادهای اجتماعی و مذهبی، می‌تواند در کنترل و کاهش طلاق مؤثر باشد. هر چند امید است که حلاوت هیچ ازدواجی به تلخی طلاق نیانجامد، اما می‌بایست نحوه مدیریت صحیح آسیب‌های اجتماعی، عاطفی، جنسی، فرهنگی و اقتصادی پس از طلاق و چگونگی ترمیم و بازسازی زندگی، توسط نهادهای اجتماعی و فرهنگی به زنان آموزش داده شود.

بدون شک یکی از اصلی‌ترین راهکارهای مقابله با آسیب‌های اجتماعی همانند طلاق و عواقب و تبعات آن، تقویت نهاد خانواده است. تقویت و صیانت و پاسداشت از نهاد خانواده نه تنها از بحران‌های فردی و اجتماعی پیشگیری می‌کند، بلکه در مقابله با بحران‌های اجتماعی نیز نقشی اساسی ایفا می‌کند، بنابراین تقویت نهاد خانواده امری ضروری و عقلی می‌باشد که جنبه پیشگیرانه و درمانگرانه را نیز در خود جای داده است... نظام تعلیم و تربیت، نقش منحصر بفردی در تحکیم بنیان خانواده و خشکاندن بخش مهمی از بسترهای طلاق دارد. به بیان دیگر، ارتقاء دانایی و تربیت اجتماعی با درون مایه دینی در آموزش و پرورش، نقش بی بدیلی در شکل‌گیری ازدواج‌های صحیح و قرار گرفتن زندگی مشترک در مسیر معقول و پایدار ایفا می‌کند موضوعی که در سال‌های اخیر مغفول واقع شده و یا حق آن به درستی ادا نشده است.

گرچه مسئله طلاق را نباید به صورت یک طرفه به سمت زنان سوق داد و از سهم جدی مردان در تشبیت و تداوم حیات خانواده غافل شد اما روشن است که هر میزان روی بازیابی هویت و منزلت حقیقی زن مسلمان و ایرانی و به تبع آن، صیانت عملی از زن در جامعه کار بشود و جلوی تضییع حقوق زنان با محوریت دو جریان روشنفکری و تحجر گرفته شود، به تقویت نهاد خانواده و تضعیف پدیده طلاق در کشور کمک شده است.

پیشگیری اولیه از طلاق مقدم بر مقابله است اما اقدامات سلبی در عرصه پیشگیری ثانویه مانند به تأخیر انداختن صدور حکم طلاق و مشاوره‌های اجباری برای زوجین داوطلب طلاق توافقی، یا هر اقدامی که بتواند به تشخیص قاضی به تداوم زندگی زوجین منجر شود، ضروری است.

با توجه به اثر بخشی مراکز مشاوره در پیشگیری و کاهش آمار طلاق در سطح کشور مراکز مشاوره باید تقویت و تخصصی تر گردند. با مجموع عوامل ذکر گردیده است که با جامعه ای روبرو خواهیم بود که خانواده بنیانی متزلزل نخواهد داشت و سلامت و بهداشت روانی افراد بهتر تامین میگردد و به تبع آن آمار طلاق، بزهکاری و پدیده های دیگر کاسته خواهد شد.

۲.۵. کرامت انسانی، حق بر سلامت و مسئولیت دولت

کرامت انسانی مبتنی بر اصولی چون، آزادی، برابری حق، توسعه امنیت و کیفیت زندگی و رفاهیات اجتماعی است حق بر سلامت یکی از حقوق بنیادین بشری است که ارتباط معنا داری با حق حیات دارد. حق بر سلامت از هنجارهای حقوق بشری است که کرامت انسانی در آن غیر قابل انکار است. سلامت یکی از مولفه خوب زیستن انسان بر مبنای کرامت انسانی است. به عبارتی زیستن شایسته بدون شان و منزلت انسانی میسر نیست. سلامتی مفهومی گسترده است که بعد جسمانی و روانی افراد را شامل می شود.

حق بر سلامت همانند حق های دیگر دارای سه بعد است. بعد اول احترام، به معنای این است که دولت‌ها باید به گونه ای این حق را تامین کنند که کرامت انسانی شخص حفظ شود. (همان، ۲۰)

تعهد به حمایت؛ از دیگر ابعاد حق بر سلامت است. دولت باید مانع اقداماتی شود که تهدیدها و خطرهای را برای سلامت افراد جامعه به همراه دارد. دولت در مقابل حق بر سلامت، مسئول ایفای تعهد و برخورداری افراد از این حق می باشد؛ بنابراین سلامتی، حقی برای شهروندان و تکلیفی برای دولت جهت تامین و تضمین این حق است.

در قانون اساسی توجه به بهداشت و سلامت عمومی به عنوان یکی حقوق اساسی ملت مورد توجه بوده است. در اصل سوم آمده است: برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.

در اصل بیست و نهم قانون اساسی آمده است: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی ...؛ و در نهایت تامین بهداشت و درمان به عنوان یک نیاز اساسی ملت در اصل چهل و سوم قانون اساسی در زمره تکالیف عمومی دولت مورد تاکید قرار گرفته است

. اگر سه مرحله حمایت از سلامت، مراقبت از سلامت و دسترسی به مراقبت پزشکی، اگر به عنوان حق بر سلامتی برای آحاد شهروندان در نظر گرفته شود، حقوق بیمار، تنها بخش پایان آن، یعنی حق دسترسی به مراقبت‌های پزشکی را پوشش داده و دو بخش دیگر مورد توجه نیست.

علاوه بر این، هنوز در کشور ما، شاخص‌ها و استانداردهای لازم برای سنجش سلامت وجود ندارد. باید توجه داشت که سلامت جسمی، روحی و روانی در سایه موضوعات دیگر محقق می‌شود و حوزه‌های بسیار متنوع و متعددی در تحقق و تداوم وضعیت سلامتی و توانایی و متأثر ساختن و تهدید آن می‌توانند دخیل باشند. موضوعاتی مانند محیط زیست سالم، آب سالم، تغذیه سالم، شرایط کاری و حرفه‌ای، و حتی اقتصادی جامعه دارای ارتباط نزدیکی با موضوع سلامتی هستند؛ و از این منظر حق بر سلامتی با سایر حقوق بشری نظیر حق بر حیات، حق بر تامین غذا، مسکن و حقوق اقتصادی دارای همپوشانی و ارتباط است (Matthew Craven: 1998) در مجموع می‌توان گفت: حق بر سلامتی به عنوان یکی از تکالیف دولت‌ها در مقابل ملت‌ها قلمداد شده و مورد پذیرش قرار گرفته است؛ هرچند که در مرحله اجرا، تا رسیدن به نقطه آرمانی فاصله زیادی دارد (Steven Hick and ...2000)،

۶.۲. کرامت انسانی و حق آزادی قراردادی

حقوق بشر و حق های اساسی، بعنوان سپردفاعی شهروندان علیه دولت بکارگرفته میشود، اما این بدان معنی نیست که نتوان آن را بین بازیگران حقوق خصوصی اعمال نمود؛ زیرا دولت قدرت فائقه و برتر در جامعه هست، همواره این تردید وجود دارد که حقوق و آزادی های شهروندان را مورد تحدید و تعرض قرار دهد. آزادی قراردادی نیز یکی از حقوق بنیادین و ارزشهای اساسی تلقی میگردد. اصل مزبور بدان معناست که هرکس یا طرفین یک قرارداد، بهتر می توانند مصالح خویش را بر مبنای قصد و هدف غایی خویش از انعقاد قرارداد، تامین نماید (ترابی، بابائی، ۱۴۰۰: ۱۶۱) لذا ضرورتی به مداخله دولت و دیگران نیست و از سوی دیگر آزادی قراردادی تضمینی برای حفظ شئون انسانی، کرامت و اراده انسان است. همین امر سبب شده است، عوامل تحدید آزادی در دو دسته قرار گیرد. یکی از طریق مداخله مربوط به تنظیم بازار و عموماً برای توزیع ثروت و دیگری مداخله برای حفظ ارزشهای حقوق بنیادین و جلوگیری از استثمار. مبنای مربوط به جلوگیری از استثمار، تأکیدی مؤکد است

بر احترام به حق کرامت انسانی طرفهای قرارداد. کرامت انسانی بعنوان محور سایر حقها و متناسب با ماهیت دو وجهی فردی و اجتماعی انسان است که از منظری با الهام از حقوق طبیعی، ضامن حقوق فردی و از منظری دیگر زمینه ساز سلامت جمعی، آزادی سیاسی و پویایی اقتصاد میباشد.

۷.۲. حق مالکیت خصوصی و کرامت انسانی

حق مالکیت خصوصی یا به عبارت دقیق تر حق مالکیت فردی محصول اندیشه حقوقی مدرن است و شاید بتوان گفت بنیادی ترین مفهوم حقوق مدرن این است که خود انسان منشأ حق است. اساساً می توان گفت که در اندیشه مدرن انسان به عنوان موجود دارنده حق یا مالک حق، تعریف می شود و مفهوم مالکیت (فردی) از مفهوم انسان تفکیک ناپذیر است. حقوق بشر در اندیشه مدرن، حقوق فردی انسان ها است و اصل مالکیت فردی مفهوم اولیه و بنیادی آن است. مالکیت جزء حقوق نسل اول انسان است و دولتها مکلفند مانعی جهت دستیابی افراد به حق خویش ایجاد نکنند. در قانون اساسی و قانون مدنی حق مالکیت انسان را مورد پذیرش قرار داده اند اما این قید نیز بدان اضافه شده است که این حق باید مشروع باشد و مانعی جهت احقاق حق دیگران ایجاد نکند. به بیان دیگر حق مالکیت، از حق های بنیادین بشر است که مورد احترام قانون قرار گرفته است و دولتها نمی توانند بدون اذن قانون سلب مالکیت با توسل به توقیف و مصادره انجام دهند این مهم در ماده ۳۱ قانون مدنی بصراحت مورد احترام واقع شده است. ماده مقرر میدارد: هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی توان بیرون کرد مگر به حکم قانون.

با توجه به جایگاه حق مالکیت در حقوق فردی و اجتماعی افراد و از آنجا که این حق، جز حق های بنیادین و بشری است و غایت حق های اساسی در جهت کرامت انسانی و شان ذاتی انسان است، در نتیجه کرامت انسانی ایجاب می نماید که حق فرد مورد تعرض واقع نشده و مقنن حفاظت از حق را با مقرر نویسی مورد احترام مضاعف قرار دهد. به بیان دیگر، حق مالکیت اگر معارض و یا نامشروع نباشد به خودی خود مورد احترام است و کسی حق سلب آن را ندارد اما دولت متعهد است با مداخله از طریق مقرر گذاری علی الخصوص در زمینه مجازات ها، متعرضان به حق مالکیت فردی را اعمال جزا دهد.

۳. تعهدات و وظایف حکومت در تأمین معیشت و کرامت مردم از نگاه قرآن

در آیین اسلام، فقر سزاوار نکوهش بوده و بستر ساز کژاندیشی و برخی ناهنجاری های اجتماعی است. همچنین مجموعه ای از ناآرامی های روحی و جسمی در سطوح فردی و اجتماعی از آن زاییده می شود. بدین سان، فقر تهدیدی جدی برای ارزش های جامعه دینی است که ثبات آن را از بین می برد.

با این مقدمه، در این یادداشت به بررسی و تحلیل وظیفه حکومت اسلامی در تأمین معیشت مردم از دیدگاه قرآن کریم می پردازیم.

در مجموعه قرآن کریم آیات زیادی در ارتباط با وظیفه حکومت در تأمین معیشت و زندگی مردم آمده است. از جمله در آیه ۵۳ سوره نساء خداوند در این خصوص می فرماید: «أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا»؛ آیا برای آنان (یهودیان) بهره ای از حکومت است؟ که در آن هنگام، ذره ای به مردم نمی دادند. این آیه دستور خداوند به حکومت های الهی است که زمامداران باید اهتمام به ارتزاق مردم و تأمین معیشت آنان داشته باشند. همچنین در آیه ۵۵ سوره یوسف (ع) آمده است: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ». یوسف گفت: «در این صورت مرا به خزانه داری مملکت منصوب دار که من در حفظ دارایی و مصارف آن دانا و بصیرم». مطابق این آیه شریفه یک پیامبر در رأس خزانه داری مملکت قرار می گیرد تا گندم ها و قوت هفت سال قحطی در مصر به درستی و بر اساس عدالت بین همه مردم تقسیم شود؛ بنابراین یکی از الزامات حکومت اسلامی سرپرستی یک شخص بابصیرت، دانا، پاکدست و عادل در امور مصرفی بیت المال برای تقسیم عادلانه آنها بین

همه مردم است. حضرت علی (ع) که سمبل یک حکومت مبتنی بر عدالت اجتماعی است، در ارائه گزارشی از وضعیت حاکمیت خویش می‌فرماید: ما أصبح بالكوفة أحدًا إلا ناعماً، إن أدناهم منزلةً لياكل من البر و يجلس في الظل و يشرب من ماء الفرات؛ همه مردم کوفه از رفاه برخوردار شدند چون حتی فقیرترین افراد جامعه نان گندم می‌خورند و سرپناه مناسب دارند و از آب سالم می‌نوشند. نتیجه اینکه امام علی علیه‌السلام ماحصل حکومت و گزارش چندساله حکومتش را برای «معیشت مردم» عنوان می‌کند

الف: تأمین رفاه و عدالت اجتماعی

از دیگر وظایف دولت اسلامی در حوزه اقتصادی، تأمین رفاه و عدالت اجتماعی است. رفاه عمومی تعبیری است معطوف به وضعیت اقتصادی که حفظ کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه در قبال یکدیگر و ارتقای توانمندی‌ها از اهداف آن است. همچنان که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه به مالک‌اشتر رفاه و گشایش عمومی را وظیفه حکومت اسلامی برشمرده و می‌فرماید: ثم الله الله في الطبقة السفلى من الذين لا حيلة لهم، من المساكين والمحتاجين و... یعنی اینکه حکومت اسلامی باید به وضعیت اشخاص طبقه ضعیف و مساکین و نیازمندان که هیچ چاره و گشایشی در حل مشکلات معیشتی خود ندارند، رسیدگی کند. به علاوه در بند دوازدهم از اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رفاه عمومی وظیفه دولت جمهوری اسلامی ایران عنوان شده است.

بر اساس تعالیم اسلامی تأمین معیشت در یک حکومت اسلامی دارای شاخص‌هایی است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به رفع فقر و محرومیت، عدالت اجتماعی و نیز نظارت و مبارزه با اختلالات اقتصادی اشاره کرد.

ب: رفع فقر و محرومیت

رفع فقر و محرومیت و بهبود زندگی مردم و بهره‌مندی آنان از مواهب مادی از وظایف مهم حکومت اسلامی است. در قرآن کریم رفع فقر و محرومیت بسیار موردتوجه قرار گرفته و تدابیر مختلفی برای توسعه اقتصادی و نابودی فقر و محرومیت دیده شده که ازجمله آنها عمران و آبادانی زمین و استفاده از مواهب الهی آن است. در این باره آیه ۷ سوره مبارکه حشر می‌فرماید: «ما أفاء الله على رسوله من أهل القرى فله وللرسول ولذی القربى والیتامى والمساكين وابن السبیل کی لا یكون ذولاً بین الأغنیاء منكم وما آتاكم الرسول فخذوه وما نهاکم عنه فانتهوا واتقوا الله إن الله شدید العقاب»؛ آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و درراه‌ماندگان است، تا این اموال در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و اجرا کنید و از آنچه نهی کرده خودداری کنید؛ و از مخالفت خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است. پس این مصارف شش‌گانه ذکر اولویت‌هایی است که پیامبر (ص) در مورد اموالی که در اختیار دارد باید رعایت کند و به تعبیر دیگر پیغمبر اکرم (ص) این همه ثروت را برای شخص خودش نمی‌خواهد؛ بلکه به‌عنوان رهبر و رئیس حکومت اسلامی در هر موردی که به نفع مستمندان باشد، مصرف می‌کند. این آیه مبین این است که در یک حکمرانی خوب، زمامداران جامعه اسلامی باید بر مدار عدالت و انصاف عمل کرده و در مصرف بیت‌المال توجه ویژه‌ای به نیازمندان داشته باشند.

۲- نظارت و مبارزه با مفاسد اقتصادی: یکی از شیوه‌های تأمین معیشت مردم، بستن گلوگاه‌های فساد اقتصادی است. زمامداران حکومت اسلامی باید به تعبیر آیه ۱۵ سوره مبارکه یوسف «حفیظ» باشند و با برنامه‌ریزی دقیق، تدبیر و دوراندیشی و همچنین استفاده از تجربه روز دانش بشری، بسترهای لازم را برای رونق کسب‌وکار و فعالیت‌های اقتصادی شفاف و روشن فراهم کنند؛ بنابراین مواردی مانند احتکار، ثروت‌اندوزی و کم‌فروشی در یک حکومت اسلامی برخلاف شریعت اسلام و آیات و روایات است. همچنان که امام علی علیه‌السلام در نامه ۵۳ خود به مالک‌اشتر، وقوع احتکار را ناشی از ناتوانی حکومت برشمرده و در نامه‌ای به رفاعه بن شداد دستور می‌دهد با مرتکبان احتکار به‌شدت برخورد کنند. به علاوه آیات ۱ تا ۳ سوره مطففین ناظر به کم‌فروشی است: «ویلٌ للمطففین (۱) الذین إذا اکتالوا علی الناس یستوفون (۲) وإذا کالوهم أو وزنوهم

يُخْسِرُونَ (۳)؛ وای بر کم‌فروشان، آنان که وقتی برای خود پیمانه می‌کنند، حق خود را به طور کامل می‌گیرند؛ اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می‌گذارند. البته باید توجه داشت وظیفه دولت در تأمین معیشت، نباید سبب رخوت، سستی و بی‌انگیزگی افراد جامعه شده و آنان را از کار شبانه‌روزی و اشتغال در جهت کسب روزی حلال باز دارد. هستی جولانگاه تلاش، فعالیت و کسب‌وکار مشروع است. همچنان که خداوند در آیه ۳۹ سوره نجم می‌فرماید: و أن لیس للإنسان إلا ما سعى؛ یعنی برای انسان جز آنچه تلاش کرده، بهره دیگری نیست. به علاوه خداوند در آیه ۷ سوره انشراح می‌فرماید: «إذا فرغت فانصب»: پس هنگامی که از کار مهمی فارغ می‌شوی، به کار و فعالیت دیگری بپرداز. براین اساس، مطابق احکام شریعت اسلام، انسان در کنار کارهای معنوی و الهی، همواره باید در حال کوشش و تلاش برای کسب روزی حلال باشد که این امر نیز نوعی عبادت محسوب می‌شود.

ج: حقوق متقابل دولت و شهروندان

حق به مفهوم ثابت، راستی، حقیقت، بهره و اولویت و تکلیف به معنای دین و زحمت است. حق و تکلیف دوسویه‌اند. هر جا امتیازی وجود دارد، تکلیف و وظیفه و غایتی نیز در میان است و هر جا وظیفه‌ای بر کسی مسلم شد، حقی نیز برای وی در نظر گرفته شده است. هیچ‌کس دارای حقوق یک‌طرفه نیست. زن و شوهر حقوقی دوجانبه دارند. این نکته ریشه در سرشت انسان‌ها دارد و در آموزه‌های اسلامی جلوه و جایگاه ویژه دارد که هیچ مکتب و مرامی به این پایه نرسیده و نتوانسته دست یابد. رسول خدا، محمد مصطفی (ص)، کسی را که باری بر دوش دیگران باشد و باری از دوش دیگران بردارد، ملعون خوانده است (کافی، ج ۴/۱۲) و امیرمؤمنان فرموده است: «لا یجری لأحدٍ إلا جری علیه و لا یجری علیه إلا جری له» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶) کسی را حقی نیست، جز این که بر او نیز حقی است و بر او حقی نیست، جز آن که او را حقی بر دیگری است. دولت و شهروندان نیز در این قاعده جای دارند. در دولت‌های استبدادی، حقی به سود مردم بر زمامدار تعریف نشده و خدمت‌های دولت برای مردم احسان و تفضل نامیده می‌شود. نظام‌های لیبرال سرمایه‌داری که بر اساس لذت‌گرایی و توجه به منافع فرد بنا شده‌اند، تنها از حقوق مردم گفت‌وگو می‌کنند. در تفکر دینی، هرکسی به اندازه‌ای که به کاری می‌پردازد، حق دارد و به میزان بهره‌وری از بهره بازخواست می‌شود. هرکس به هر اندازه که بهره می‌برد به همان میزان باید بار جامعه و حکومت را به دوش بکشد. در اسلام، در تعامل دولت و شهروند، وظایف و حقوقی بیان شده است. در فرهنگ اسلامی، پیوند دولت و شهروند برتر از دایره قراردادهای اجتماعی، رابطه‌ای است معنوی و بر اساس اخوت و سرپیچی از آن، افزون بر سلب پاره‌ای از بهره‌های مادی، محرومیت از ثواب‌های معنوی را نیز در پی خواهد داشت. اجرای بسیاری از آیین‌های اجتماعی در پرتو نظام ممکن است و دولت مشروعیت خود را از شریعت می‌گیرد (کتاب البیع، ج ۲/۴۶۱) به نظر امام خمینی ورود در حکومت هم حق است و هم تکلیف و مردم وظیفه دارند در ساختن دولت دینی مشارکت کنند (صحیفه امام، ج ۱۰/۱۵): «حکومت‌کردن و زمامداری در اسلام، یک تکلیف و وظیفه الهی است که یک فرد در مقام حکومت و زمامداری، گذشته از وظایفی که بر همه مسلمین واجب است، یک سلسله تکالیف سنگین دیگری نیز برعهده‌اش است که باید انجام دهد. حکومت و زمامداری در دست فرد یا افراد، وسیله فخر و بزرگی بر دیگران نیست.» (صحیفه نور، ج ۴/۱۹۰).

در نگاه آن فقیه نکته‌بین، دولت اسلامی عصاره و تبلور اراده ملت است. دولت و ملت پیوند، بستگی و بده‌بستان دارند و از هم جدایی‌ناپذیرند (صحیفه امام ج ۱۰/۴۸۶) از مؤلفه‌های انقلاب اسلامی، احقاق حقوق مردم است. رهبری نظام از پایگاه معنوی ریشه‌داری در میان مردم بهره دارد. انقلاب اسلامی به سازمان، گروه و قشر ویژه‌ای بستگی نداشته و ندارد و توده‌های بی‌نام‌ونشان بار آن را بر دوش داشته، پشتیبان اصلی آن بوده و هستند. در طول انقلاب، این جناح‌های فکری و سیاسی بودند که به دریای مردم پیوستند، نه این که مردم، دنباله‌رو آنان باشند. مردم در سایه رهبری امام خمینی، مبارزه کردند، به پیروزی رسیدند و پایه‌های انقلاب اسلامی را استوار کردند. (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۷).

۱.۳. تعهدات دولت بر حفظ و تأمین حقوق شهروندان از دیدگاه فقهی و اسلامی

۱.۳.۱. تکریم شهروندان

تکریم شهروندان، از مهم‌ترین کارها و رسالت‌هایی که دولت اسلامی برعهده دارد و باید در انجام آن تمام تلاش خود را به کار بندد، نگهداشت کرامت شهروندان است و تأکید بر شرافت و حقوق انکارناپذیر مردم. دولت در جایگاه زمامداری و سرپرستی مردم، وظیفه دارد از آبرو و شخصیت تک‌تک شهروندان پاس بدارد. این حق، سنگ زیرین و بنیادین شخصیت آدمی است. آدمی در پرتو این حق و عزت‌نفس، خواهد توانست از دیگر حقوق انسانی خود به دفاع برخیزد. در نگاه قرآنی امام خمینی، مردم کریم و آزاد و آزاده آفریده شده‌اند (صحیفه امام، ج ۶/۳۰۱) و باید از این گوهر قیمتی مراقبت کرده و آن را در پای ناکسان نریزند. از این‌روی امام پس از انقلاب اسلامی، تأکید داشت مردم عادی و دولتی‌ها، حق دارند از کرامت و شرافت خود در برابر اتهام‌های دیگران دفاع کنند و قوه قضائیه باید آن را دنبال کند. معیار کرامت در نگاه امام، پایبندی به ارزش‌های دینی است. خداجویی، حق‌طلبی و راستی، معیار برتری افراد بر یکدیگر است. عقل و خرد، افراد مسئولیت‌پذیر را با مردم ارزش‌گریز، در یک ترازو نمی‌نهد. پیش از انقلاب اسلامی، احزاب کمونیست به نام خلق و توده، در جهان سوم، از جمله ایران، میدان‌داری می‌کردند و به رقبای خود برچسب ضد‌مردمی می‌زدند.

بدیهی است، تکریم ارباب‌رجوع ارتباطی تنگاتنگ با حقوق شهروندی شهروندان دارد که به‌قرار زیر است:

- شفاف‌سازی نحوه ارائه خدمت به مردم بدین معنی که شهروندان باید از نوع خدمات قابل‌ارائه به ارباب‌رجوع،
- مقررات مورد عمل و مراحل انجام کار، مدت‌زمان انجام کار، مدارک موردنیاز و فرم‌های مورد عمل، عنوان واحد،
- محل استقرار، نام متصدی انجام کار و تعیین اوقات مراجعه و نوع فناوری مورد استفاده اطلاعات لازم را داشته باشند.
- اطلاع‌رسانی از نحوه ارائه خدمات به مردم
- به روش‌هایی از قبیل نصب در تابلوی راهنما در مبادی ورودی و در معرض دید مراجعین،
- تهیه بروشور و توزیع بین ارباب‌رجوع و مخاطبین،
- نصب نام و نام خانوادگی، عوامل متصدی انجام کار، پست سازمانی و رؤس وظایف اصلی کارکنان در محل استقرار آنان و راه‌اندازی خط تلفن گویا برای راهنمایی مردم صورت می‌گیرد
- کارمندان سازمان‌ها نیز باید مواردی از قبیل نظم و آمادگی برای ارائه خدمات به مردم،
- وقت‌شناسی، نظم و آراستگی لباس، رعایت ادب و نزاکت، عدالت و انصاف در ارائه خدمات خوب به مردم، همکاری و خوش‌برخوردی،
- آمادگی برای ارائه اطلاعات و توضیحات کافی در هنگام موردنیاز به خدمت‌گیرندگان را رعایت کنند.

موارد اشاره شده و همچنین نظرسنجی از ارباب‌رجوعان در خصوص نحوه گردش کار و نیز پیگیری و ریشه‌کنی در طرح تکریم ارباب‌رجوع مورد اشاره قرار گرفته است؛ لذا مسئله‌ای که در این طرح مغفول مانده است ضرورت استقرار کامل دولت الکترونیک است. گسترش دولت الکترونیک سبب شفاف‌سازی فرایندهای اداری، افزایش سرعت و کاهش هزینه و درنهایت تحقق هرچه بهتر حقوق شهروندی است که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

۱.۳.۲. آزادی بیان

از نظر قرآن کریم، نه‌تنها انسان دارای کرامت ذاتی است، بلکه بر بسیاری از مخلوقات برتری داده شده است. از این منظر، همه چیز در مادیات خلاصه نمی‌شود. به عبارت دیگر، انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است و ارضای تمایلات مادی نباید در ضدیت با ارزش‌های معنوی او باشد.

آزادی بی‌حد و حصر در بعد بیان و دیگر آزادی‌های از این قبیل چنانچه در راستای کرامت نفسانی او باشد، مطلوبیت دارد. دوم، این اعلامیه به صورت احساسی و با ترحم و عطف نگاشته شده است. به عبارت دیگر، در آن برای انسان اهداف آرمانی در نظر گرفته شده است؛ مثل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، صلح، آزادی و عدالت که فی‌نفسه مطلوب به نظر می‌رسد. ولی باید توجه داشت که استفاده از احساسات فطری بشری برآورنده نیاز حقیقی انسان‌ها نخواهد بود. اگر نظامی حقوقی بر این اساس تنظیم

گردد، تنها تاندازه‌ای از بعد نظری مشکل حل خواهد شد، ولی در بعد عملی، از دو جنبه دارای مشکل است: تبعیض؛ عدم آمادگی اجتماعی. امروزه آزادی عقیده و بیان در عمل، به صورت تبعیض آمیز اجرا می‌گردد، و همه انسان‌ها به طور مساوی از آن بهره‌مند نیستند، بنگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌های گروهی غرب با استفاده از بهترین وسایل، تمام ارزش‌های مطلوب خود را به عنوان آزادی بیان ارائه می‌دهند، ولی صدایی از مظلومیت ملل ستم‌دیده به جایی نمی‌رسد و حتی مواعی نیز برای آن‌ها ایجاد می‌کنند. سوم. به لحاظ تاریخی، باید نگاهی به اعلامیه جهانی حقوق بشر افکند.

در برهه‌ای از تاریخ - قرون وسطا - بسیاری از حقوق انسان‌ها نادیده گرفته می‌شد و آزادی بیان و عقیده به هیچ نحو رعایت نمی‌شد. به تدریج، شورش‌ها و انقلاب‌ها به وجود آمد و مردم از قیدوبند کلیسا آزاد گشتند، ولی این بار دچار نوعی افراط در آزادی شدند. به دیگر سخن، آزادی‌های مطلق و بی‌حدوحدر امروز بازتاب قید و بندهای سخت قرون وسطاست که باید گفت هر دو بر خطاست و هیچ یک از این دو نمی‌تواند بیانگر کرامت انسان باشد؛ یکی بر تفریط است و دیگری بر افراط. چهارم. نکته مهم و در خور توجه مسئله «جدایی دین از سیاست» است. این اندیشه که در قرون اخیر، از سوی غرب منشأ گرفته، تمام تعالیم آسمانی را مورد هدف قرار داده و دین را از جهانی بودن به یک سلسله توصیه‌های اخلاقی صرف تبدیل نموده است. سیاست‌مداران دنیا طلب این اندیشه را رواج داده و دین را به کناری نهاده‌اند. از نظر اینان که بی‌توجه به عقاید دینی هستند، آزادی مطلق در ابعاد گوناگون وجود دارد. اینان «سکولار» می‌اندیشند و «سکولار» زندگی می‌کنند و برایشان چه اهمیتی دارد که این آزادی غربی تمام ارزش‌های دینی و اخلاقی را هدف قرار دهد.

از نظر اسلام، دین در عینیت جامعه و عاملی برای بهبود تمام رفتارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و تنها در امور عبادی خلاصه نمی‌شود. از این رو، «آزادی‌های مطلق»، به گونه‌ای که اهداف عالی انسانی و تعالیم آسمانی را مورد استهزا و بی‌توجهی قرار دهد، نمی‌تواند مطلوب باشد، بلکه آزادی باید در چهارچوب صحیح قرار گیرد تا هدف خلقت که استكمال و تعالی انسان و رسیدن او به قرب الهی است، تأمین گردد.

۱.۳.۳. عدالت اجتماعی

عدالت، فلسفه دیگر تشکیل حکومت در اسلام است. حذف امتیاز و فاصله‌های بی‌دلیل و محو ظلم، گفتمان غالب امام را تشکیل می‌دهد. در نگاه امام، عدالت اجتماعی در همه شئون اعتقادی، عبادی و اجتماعی اسلام ریشه دارد و با معنویت، ولایت و عقلانیت اسلامی درهم تنیده است و عدالت معیاری مطمئن برای سنجش اندیشه و رفتار انسان‌ها به شمار می‌آید. در صورت وجود این شرایط، حکومت باید امکانات تولید و فعالیت اقتصادی را در اختیار عموم قرار دهد و با برقرارکردن سیاست‌های پولی و مالیاتی صحیح، به هدایت راهبری این فعالیت‌ها بپردازد. همچنین با ایجاد برخی سیستم‌ها، به کنترل و تصحیح روندها و شناسایی، تغییر و جای‌گزینی افراد همت‌گمارد. امکانات تولید و فعالیت اقتصادی در سرمایه، پول و اعتبار، کالاهای سرمایه‌ای و زمین منحصر نمی‌شود؛ بلکه آموزش عمومی علوم و فنون و ایجاد امکان بهره‌گیری عمومی از تکنولوژی، امنیت قضایی و تجاری، ایجاد بازارهای مناسب برای فروش تولیدات، ایجاد و کنترل روندهای مطمئن برای تولید و توزیع و در پایان، تنظیم قواعد و قوانین مناسب برای زدودن تبعیض و بی‌عدالتی در تولید و تجارت و توزیع را در بر می‌گیرد.

اما اگر آنچه گفتیم تحقق پذیرد، هنوز از عدالت اجتماعی فاصله‌ای بسیار داریم؛ چرا که توجهی به تفاوت توانایی افراد برای شرکت در فعالیت‌های اقتصادی نداشته‌ایم. بخش وسیعی از جامعه به سبب ضعف استعدادهای طبیعی، شرایط تحمیل‌شده اجتماعی، عارضه‌ها و حوادث و یا نبودن در سن فعالیت اقتصادی، از فعالیت اقتصادی سالم ناتوان‌اند و جمع برنامه‌ریزی برای تحقق عدالت اجتماعی بدون توجه به این اقشار راه به جایی نمی‌برد. بگذر از ما که چنان در اندیشه توسعه و دچار وسوسه‌ی قدرتی که به راحتی از این آرمان می‌گذریم و استدلال می‌کنیم که توسعه، ارز و دلار لازم دارد و دلار با صادرات به دست می‌آید و توجه و استقبال از صادرات نیز تنها با سقوط ریال ممکن است. پس برای توسعه، باید ارزش ریال را پایین آورد، حتی اگر قیمت‌ها افزایش یابد. همچنین برای صادرات باید با کنترل‌کنندگان بازار جهانی هماهنگ بود. پس باید با آنان کنار آمد و نان قرض داد و سخت نگرفت، حتی اگر به قیمت چشم‌پوشیدن از شعارها و اهداف باشد. عجیب است که چه راحت به افزایش

قیمت‌ها حکم می‌کنیم و از کنار فشار توان‌فرسا و خردکننده‌ای که بر اقشار ضعیف وارد می‌شود، عبور می‌کنیم. توجه به این اقشار باید در متن برنامه‌ها جای بگیرد و جزو اهداف اصلی باشد، نه این که ما اهداف دیگری را تعقیب کنیم و لطمات حاصل از برنامه‌هایمان را با ابزارهای مقطعی و مسکن‌های موقتی کم کنیم، تازه ناله هم سر دهیم که یارانه می‌دهیم و از فشاری که بر گرده‌ی دولت می‌آید بنالیم.

همچنین عدالت قضائی از شاخه‌های اصلی عدالت اجتماعی است. نگاه یک‌سان قوه قضائیه به شهروندان و نگاه برابر قاضی به دو سوی دعوا. در مبنای قرآنی امام، اسلام به برخی امتیازهای ویژه‌ای نداده و شماری را بر شماری ناروا برتر نشانده است. امام تأکید داشت، دادستان باید متعهد و پاک باشد و از دائره حقیقت پا بیرون نهد. آشنایی با متون حقوقی و پایبندی به سوگندنامه قضائی معیار گزینش قضات در غرب است. در اسلام افزون بر آشنایی قضات با شیوه دادرسی، داور باید از ملکه تقوا برخوردار باشد و پایبند به شعائر دینی. واجبات دینی را به‌موقع انجام دهد و خود را از شبهه و حرام‌خواری دورنگه دارد. امام، عدالت را از شرایط اصلی نفوذ حکم قاضی می‌داند.

۳.۲. خدمت صادقانه به شهروندان

در قرن معاصر دولت‌ها تلاش می‌کنند سطح رفاه عمومی کشورشان را روزبه‌روز ارتقا دهند. در این مسیر دولت‌ها با به‌کارگیری سازمان‌ها و نهادهای وابسته خود به‌قصد خدمت به اقشار مختلف جامعه به سمت حداکثرسازی رفاه عمومی حرکت می‌کنند. همان‌طور که می‌دانیم اقتصاد یک کشور به دو بخش مهم خصوصی و عمومی تقسیم‌بندی می‌شود. بخش خصوصی به دنبال حداکثرسازی سود خود است و تعیین هدفی غیر از این برای آن در حقیقت شعاری بیش نیست. در مقابل هدف بخش عمومی تأمین رفاه مردم است. بخش عمومی (دولت) به‌واسطه ابزارهای سیاسی و قانونی که دارد به‌راحتی می‌تواند سودهای کلان را از راه‌های گوناگون به دست آورد؛ اما این عمل به قیمت دورشدن از هدف اصلی بخش عمومی یعنی رفاه مردم است. به‌طور مثال سازمان تأمین اجتماعی با حذف کردن یک دارو از لیست داروهای تحت پوشش بیمه به‌راحتی می‌تواند سود خود را افزایش دهد یا اینکه وزارت آموزش و پرورش حقوق معلمان و کارمندان را با اخذ شهریه از خانواده‌ها تأمین کند تا هزینه‌های خود را کاهش دهد حتی دولت می‌تواند با حذف سوبسید کالاهای اساسی (پست) وضعیت بودجه خود را بهبود بخشد. در تمامی موارد ذکر شده هزینه‌های دولت کاهش می‌یابد و حتی ممکن است به کسب درآمد نیز منجر شود؛ اما نکته مهمی که در این‌بین نباید آن را فراموش کرد این است که به‌واسطه عهده‌دار بودن وظیفه مدیریت بخش عمومی، دولت باید به دنبال حداکثرسازی رفاه عمومی باشد و نه در پی کسب سودآوری و رفع کسری بودجه خود از طریق کاهش سطح رفاه عمومی جامعه.

باتوجه به مطالب فوق یکی از اصلی‌ترین وظایف هر دولتی مدیریت بخش عمومی و خدمات عام‌المنفعه است. در حقیقت در مواردی که مکانیزم بازار و قیمت‌گذاری بر اساس عرضه و تقاضا نمی‌تواند رفاه عمومی را تأمین کند دولت مجبور است در آن امور دخالت کند در ادامه به برخی از این امور اشاره می‌شود: «۱- کیفیت هوا و محیط‌زیست، ۲- ایمن‌سازی در برابر بلاهای طبیعی مثل سیل و زلزله، ۳- مدیریت آب و جلوگیری از مصرف بی‌رویه آن، ۴- جلوگیری از انتشار گازهای گلخانه‌ای و سمی، ۵- کاشت درختان و بیابان‌زدایی، ۶- کمک به اقشار ضعیف جامعه، ۷- جلوگیری از قاچاق کالا و ارز، ۸- کنترل قیمت کالاهای اساسی (پست) با استفاده از سیاست‌های صادرات و واردات به‌نحوی که تولیدکنندگان داخلی نیز متضرر نشوند.» اجرای کامل و صحیح مورد آخر نیازمند سیاست‌گذاری دقیق است؛ چرا که اجرای ناقص سیاست کنترل قیمت کالاهای اساسی می‌تواند دو پیامد ناگوار در پی داشته باشد:

۱. از بین رفتن حقوق تولیدکننده داخلی به علت واردات بی‌رویه یا جلوگیری از صادرات یا قیمت‌گذاری دستوری
۲. کاهش سطح رفاه عمومی به علت افزایش قیمت کالاهای اساسی

اینجا است که دولت باید سیاستی را اتخاذ کند که هر دو طرف درگیر در این موضوع یعنی تولیدکننده و مصرف‌کننده متضرر نشوند و با پرداخت سوبسید مطلوبیت هر دو طرف را تأمین کند. این سوبسید می‌تواند به‌صورت آشکارا (نقدی) باشد که خود

تورم‌زا است یا اینکه به صورت پنهان (غیرمستقیم) باشد که اثرات تورمی به مراتب کمتری دارد؛ مانند خرید تضمینی محصولات تولیدی، پرداخت سوبسید به نهاده‌های کشاورزی و تولیدی به منظور کاهش هزینه تولید، پرداخت تسهیلات ارزان قیمت به تولیدکنندگان، حذف تعرفه صادرات به منظور حمایت از تولیدکنندگان، معافیت تولیدکنندگان از پرداخت مالیات، خرید مازاد عرضه تولیدکنندگان به منظور حمایت از حقوق تولیدکنندگان و اعطای آن به اقشار ضعیف جامعه به صورت اقساط کم بهره و بلندمدت، پرداخت سوبسید به خانوارها بر روی هر خدمتی که قابل قاچاق نمی‌باشد مثل آموزش، بهداشت، حمل و نقل و...

دولت به عنوان عهده دار سکان بخش عمومی، باید به نحوی سیاست گذاری کند که سطح رفاه جامعه روز به روز افزایش یابد و در کنار آن از بخش خصوصی نیز به عنوان موتور مولد اقتصاد حمایت کند. دولت نباید تحت عنوان رفع کسری بودجه میزان رفاه جامعه را کاهش دهد یا اینکه به منظور حمایت از حقوق مصرف کننده، تولیدکننده داخلی را تحت فشار قرار دهد تا با قیمت دستوری اقدام به عرضه محصولات خود کند. دولت وظیفه دارد به نحوی سیاست گذاری کند که هم مصرف کننده و هم تولیدکننده منتفع شوند تا بدین وسیله سطح رفاه عمومی جامعه رشد و تعالی یابد.

۳.۳. افزایش ثروت ملی

ثروت‌های عمده کشور (انفال) در اختیار دولت است، تا آن را با عدالت در راه رفاه شهروندان به کار بندد و از تکاثر و گردش سرمایه میان ویژه خواران جلوگیری کند (سوره حشر آیه ۷) توان مالی بیت المال، به معنای افزایش توان خرید مردم و بالا رفتن قدرت دولت است. توان مندی اقتصادی، مستلزم نظارت افراد دین باور و اقتصاددانان، بر گلوگاه‌های اقتصادی کشور است و صرفه جویی دولت نیز توان مالی جامعه را بالا می‌برد. بیت المال حوزه‌ای گسترده دارد. منابع مالی، نفت و گاز، (استفتائات، ج ۲/۵۸۹) وقت و فرصت کارمندان، مطبوعات و رادیو و تلویزیون و فرصت‌های نظامیان و ارتشیان، همه از بیت المال است. امام به مطبوعات سفارش کرد، خبرهای بی‌پهلو ننویسند و رادیو و تلویزیون نیز از اسراف بپرهیزد و دغدغه وقت و فرصت‌های مردم را داشته باشد. امام یادآور می‌شد، ثروت ملی برای تشریفات زائد هزینه نشود. دولت از نیروهای موجود به جا استفاده کند و با افزایش کارمند و مشاور و سمت‌های بی‌فایده، هزینه بیت المال را بالا نبرد. امام در اهمیت حراست از بیت المال، به سیره امیرمؤمنان در صرفه جویی از ثروت‌های عمومی استناد جسته است: «امیرمؤمنان به کاتبان خود فرمودند: سر قلم‌ها را نازک بگیرد، سطرها را نزدیک هم بنویسد، از چیزهایی که فایده ندارد، احتراز کنید...» این‌طور حضرت امیر (ع) در وقت حکومتش دستور می‌دهد برای صرفه جویی. او مضایقه می‌کند که در یک صفحه که می‌شود ده سطر نوشت، پنج سطر نوشته بشود؛ یک قلم... سرش ریزه باشد تا کم صرف بشود، حرفه‌ای غیراصولی نوشته نشود که صرفه واقع بشود. باز از ایشان نقل شده است که: حساب بیت المال را می‌کشیدند، چراغی روشن بود، شمع روشن بود و کسی آمد با ایشان حرف دیگری می‌خواست بزند، شمع را خاموش کردند، فرمودند که این مال بیت المال است، تو می‌خواهی حرف دیگر بزنی... این دستور است در طول تاریخ برای کسانی که متکفل حکومت هستند که تا اندازه ممکن در بیت المال تصرف نکنند، یک درهمش در آن طرف حساب دارد. حکومت‌های اسلامی باید بیت المال مسلمین را برای جلال و جبروت خودشان صرف نکنند. (صحیفه امام، ج ۱۹/۳۷۵).

۴. مهم ترین اهداف حکومت اسلامی در حفظ حقوق و کرامت

مهم ترین هدفی که حکومت اسلامی به همراه دارد و با نظام‌های سه گانه انسانی هماهنگ است، همانا دو چیز است: اول انسان‌ها را به سمت «خلیفه الله» شدن راهنمایی و مقدمات سیروسلوک آن را فراهم کردن. دوم: کشور اسلامی را «مدینه فاضله» ساختن، مبادی تمدن راستین را مهیا نمودن و اصول حاکم بر روابط داخلی و خارجی را تبیین کردن است. اصالت در بین دو رکن یادشده همانا از آن خلافت الهی است.

هدف اصلی و اولیه خداوند از خلقت هستی، نیل انسان به کمال نهایی خویش و مقام قرب الهی است، از این رو، هدف غایی و اصلی حکومت اسلامی نیز تعالی یافتن و نیل انسان‌ها به کمال نهایی است و سایر اهداف حکومت اسلامی، ابزار لازم را برای نیل به این هدف غایی ذاتی فراهم می‌سازند. بر اساس آیه شریفه: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ كنه»؛ و من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند و از این طریق تکامل یابند و به من نزدیک شوند. (سوره زاریات، آیه ۵۶). حکومت اسلامی موظف است در راستای تحقق پرستش خداوند تمام تلاش خود را به کار برد، چرا که هدف از آفرینش عالم، تحقق همین امر و در نتیجه، نیل به تعالی و کمال نهایی است. هدف مطلق و نهایی دین، نورانی شدن انسان‌ها و رسیدن آنان به شهود، لقاءالله و دارالقرار است و از این رو، قیام مردم به قسط و عدل و حتی عبادات، همگی اهداف نسبی و متوسط دین است. مسائل عبادی و سیاسی، وسایلی برای رسیدن فرد و جامعه به آن هدف نهایی است و همگی صراط و راهاند، و راه هیچگاه نمی‌تواند هدف نهایی باشد.

به نقل از حضرت آیت‌الله بهاءالدینی در کتاب نردبان آسمان که مجموعه‌ای از درس‌های اخلاق ایشان هست، وظیفه حکومت اسلامی را سوق دادن مردم به سوی ماورای طبیعت و دوری از نشئه حس دانسته است. سپس بیان شده، وظیفه مهم حکومت اسلامی بسط توحید و معارف غیبی و انسان‌سازی است. کار انبیا و سیاسیون الهی، اداره جامعه و سوق دادن مردم به سوی توحید است؛ بسط زندگی و تفسیر جهان و انسان بر مبنای توحید است. انبیا علیهم‌السلام تهذیب و سازندگی را از خود شروع می‌کردند، آنگاه به محیط خانواده می‌پرداختند و سپس به جامعه روی می‌آوردند و درصدد تهذیب و تطهیر و تربیت جامعه بر می‌آمدند. انبیا و اولیای الهی، در اثر تهذیب و ریاضت نفس، چون خورشید تابان می‌درخشیدند و اطراف خود را روشن و نورانی می‌کردند و هرکس مستعد بود، بر اثر نورانیت شمس نبوت و قمر ولایت، هدایت می‌یافت. روش تربیتی انبیا عملی بود؛ نه حرفی. حرکات و سکنات و اعمال انبیا علیهم‌السلام، همه تعلیم و هدایت است. انبیا و اولیا، به‌عنوان ابزار و طریقت می‌نگریستند، نه به‌عنوان موضوعیت. انبیا دنیا را به‌صورت منفی طرد نمی‌کردند، لکن انغمار و فرورفتن در دنیا، موضوعیت برای آن قائل‌شدن را رد می‌کردند. رجل الهی دنیا را در خدمت دین به کار می‌گیرد و کسانی را که بر اساس وهم و مادیت زندگی می‌کنند، دین را به خدمت دنیا می‌گیرند.

اساسی‌ترین نقطه افتراق حکومت‌های دینی و غیردینی در همین هدف غایی نهفته است. در نظام‌های دموکراتیک غربی، در بهترین وضعیت خود، اهدافی مادی، هدف غایی حکومت در نظر گرفته می‌شود و تأمین نیازمندی‌های دنیوی شهروندان و سعادت ایشان در این راستا، در رأس برنامه‌ها قرار می‌گیرد، اما در حکومت اسلامی به مصالح مادی و معنوی انسان‌ها، توأمان توجه می‌شود و حتی از این بالاتر، در نظام اسلامی، ابعاد روحانی، معنوی و اخروی در مقایسه با ابعاد مادی و دنیوی، اولویت دارند.

تلاش برای برقراری عدالت اجتماعی به‌عنوان تکلیف الهی، محوری‌ترین نقش را در خاستگاه و اهداف حاکمیت علوی دارد. (آشکارکردن حقیقت و نشانه‌های دین، ایجاد عدالت و امنیت و اصلاح شهرها و اجرای احکام الهی از اهداف اصلی حکومت علوی است.)

هدف اساسی در حکومت دینی، هدایت مردم در امور دین و دنیای آنها است، از این رو رهبر باید نسبت به اصلاح دین و دنیای مردم بکوشد. براین اساس تمام فرامین، اعمال و رفتار حاکم اسلامی در جامعه بایستی متضمن حفظ این دو مهم؛ یعنی پیشرفت دین و رفاه دنیوی ملت باشد. بی‌تردید این دو نیز مانند دو بال برای پرواز است و تقویت یکی بدون دیگری جامعه را از مسیر الهی خارج می‌سازد. تقویت دین بدون توجه به رشد دنیوی و تقویت دنیا بدون رشد دین در جامعه، نتیجه‌ای جز تباهی دین و دنیا به دنبال نخواهد داشت و جامعه‌ای که مانند جسم بی‌روح و یا روان بی جسم است، از ادامه حیات بازمی‌ماند.

در النهایه، فراهم نمودن زمینه بهره‌مندی انسان‌ها از حق هدایت به‌منظور رشد و تعالی انسان، اولین و مهم‌ترین هدفی که حکومت اسلامی در پیشرو دارد، فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای بهره‌گیری انسان‌ها از اساسی‌ترین حق خود، یعنی حق

هدایت است. براین اساس، اولین حقی که انسان در برابر انسان‌های دیگر پیدا می‌کند این است که کسی مانع تحقق عبودیت خداوند در روی زمین نشود و اولین گام در مسیر عبودیت خداوند، راهیابی به سمت هدایت صحیح است.

نتیجه‌گیری

کرامت ذاتی، حقی است طبیعی و خدادادی که آفریدگار هستی در نهاد و وجود تمامی انسان‌ها به ودیعه نهاده و همگان را از آن بهره‌مند ساخته است. این حق آمیخته با حکم بوده و قابل سلب و اسقاط و نقل و انتقال نبوده و احدی را یارای تعدی و تجاوز به آن نیست، مگر آنکه آدمی با ارتکاب جرائم و معاصی آن را از خویش خویشتن زدوده و سالبه به انتفای موضوع گردد. این حق مورد پذیرش اسلام و اسناد حقوقی آن و نیز مقبول اسناد حقوق بشر بین‌المللی است. در کنار این حق، حق کرامت ارزشی وجود دارد که در سایه تلاش و تکاپوی آدمیان به تحقق می‌پیوندد و مقصد و غایت آن نیل به قرب الهی و قلل رفیع کمالات است؛ چیزی که مورد بی‌مهری اسناد بین‌المللی حقوق بشر قرار گرفته است. هر چند بنی‌آدم در حقوق مبتنی بر حیثیت و کرامت ذاتی دارای حقوقی واحد دارند، اما در مسیر دستیابی به ارزش‌ها و کسب کرامت انسان الهی هر کس بهره‌مند و تلاش خود را خواهد برد.

تفاوت و جدایی مکتب اسلام و غرب را در این زمینه باید در توجه و عدم توجه به کرامت ارزشی و اکتسابی و نیز عنایت و بی‌توجهی به روح و حقیقت آدمی و شناخت و عدم شناخت از واقعیت و حقیقت انسانی جستجو نمود. زوال کرامت به زوال موضوع آن یعنی انسانیت آدمی است، چه حکم بی‌موضوع محقق نمی‌شود و حیوان و شیطان را بهره‌ای از کرامت نیست. مراعات ننمودن این حق بزرگ و حیاتی نیز به عواملی چون عدم اعتقاد به کرامت و خودخواهی‌ها و شهوت‌پرستی‌ها و هواپرستی افراد و همچنین جهل بسیط و مرکب آنان و عوامل دیگر چون فقر و... وابسته است.

باتوجه به اینکه اصل کرامت انسانی به‌عنوان یکی از اصول پایه در دولت به رسمیت شناخته شده و رعایت آن منجر به حمایت از حقوق و منافع افراد خواهد گشت. صیانت و حمایت از کرامت انسانی، وظیفه دولت است و باید تمام تلاش خود را در این راستا بکار بگیرد. کرامت انسانی غایت و هدف از حق‌های بشری است. حق حریم خصوصی - حق بر آموزش - حق بر بهداشت و سلامت و حفظ کیان خانواده‌ریاالحق مالکیت، حق آزادی قراردادی، همگی نشأت گرفته از کرامت و شان انسانی است و از سویی حمایت و پاسداری از این حقوق؛ موجب ارتقای کرامت و منزلت انسانی می‌شود.

منابع و مآخذ

الف - منابع فارسی

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: سمت.
۲. امینی، منصور، کاشانی، سید صادق (۱۳۹۶) احترام به حق مالکیت در قانون اساسی، تحقیقات حقوقی، شماره ۷۹.
۳. بابایی، ایرج، ترابی، مرتضی، (۱۴۰۰) تأثیر حقوق بشر مبتنی بر کرامت اجتماعی در حقوق قراردادها در حقوق ایران و رویه قضایی اروپایی، فصلنامه حقوق عمومی، شماره ۷۱.
۴. بابایی مهر، علی (۱۳۹۳) حقوق اداری (۱)، جلد اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۵. تفسیر انسان به انسان، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ اول، اسفندماه ۱۳۸۴.
۶. توحیدی، احمد رضا (۱۳۹۲) تحول حقوق زنان و خانواده در اسناد بین‌المللی و منطقه، نشریه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۷.
۷. الجزایری، عبدالرحمن (۱۴۰۶ ق) الفقه علی المذاهب الاربعه، عبدالرحمن الجزایری، اللجنة بإشراف وزارة الأوقاف بمصر، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۸. حبیب‌زاده، توکل؛ علی‌اصغر، فرج‌پور اصل مرندی (۱۳۸۷) کرامت انسانی و ابتدای حقوق بشری و شهروندی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۸
۹. حبیب‌زاده، محمدجعفر و اسماعیل رحیمی‌نژاد (۱۳۸۷) کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۸۸، شماره ۴
۱۰. حلوانی، سکینه (۱۴۰۰) تعهدات دولت در قبال حق برخورداری شهروندان از هوای سالم در حقوق ایران. مجله: مطالعات حقوق شهروندی - شماره ۱۹
۱۱. حسینی، سید حسن، عزیزی، مینا (۱۳۹۵)، بررسی قوانین و سیاست‌های حمایت از خانواده پس از انقلاب اسلامی ایران، مطالعات زن و خانواده، شماره ۱
۱۲. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷) لغت‌نامه دهخدا، دانشگاه تهران، چاپ دوم
۱۳. راغب اصفهانی (۱۳۸۷) المفردات فی غریب القرآن، تحقیق محمد خلیل عیتانی، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، ۱۳۸۷
۱۴. رستمی، ولی و احمد رنجبر (۱۳۹۳) عدالت اداری: چارچوب مفهومی و سازوکارهای نهادی، دانش حقوق عمومی، سال سوم، شماره ۷
۱۵. رضایی زاده، محمدجواد؛ فرامرزی، عطریان (۱۳۹۳) اصل الزام به ارائه دلایل تصمیمات اداری در پرتو مفهوم اداره خوب: مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال سوم، شماره ۸۳
۱۶. رضوی، سید محمدحسن؛ قاسمی، مریم؛ زین‌الدینی، فاطمه (۱۴۰۱) تعهدات حقوق بشری دولت واضع تحریم در برابر مردم کشور تحریم‌شده: از صدور معافیت تحریمی تا رفع مؤثر موانع. مجله: مطالعات حقوق عمومی، دوره پنجاه و دوم - شماره ۲
۱۷. سیدرضی، (۱۴۱۲) نهج‌البلاغه، انتشارات دارالهجره، قم.
۱۸. السیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱) الدر المنثور، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول
۱۹. شجاعی، عباس؛ قاسمی، زهرا؛ بیرجندی، فاطمه (۱۳۹۷) نگاهی به آزادی‌های فردی و جمعی در پرتو حقوق بین‌الملل. مجله: پژوهش در هنر و علوم انسانی، سال سوم - شماره ۱۴
۲۰. شفیعی، سید محمد فرخ رضا؛ گلخندان، سمیرا؛ کونانی، سلمان (۱۳۹۸) رویکرد سیاست جنایی در حمایت از حقوق اساسی ملت با تأکید بر مداخله دولت (حکومت) و جامعه مدنی. مجله: تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری. شماره ۴۲
۲۱. صحیفه امام خمینی، مجموعه آثار امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)؛ صحیفه امام؛ جلد بیست و دوم، چاپ پنجم، تهران.
۲۲. طباطبایی. سید محمدحسین (۱۴۲۲ ق) المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ دوم
۲۳. عبدالحی، محسن؛ شاکری، نفیسه (۱۳۹۸) تدابیر و راهکارهای شمول و افزایش ضمانت اجرای تعهدات حقوق بشری در نسل جدید معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری. مجله: پژوهش‌های اخلاقی - شماره ۳۸
۲۴. عسکری، علیرضا؛ فرخی، منصور؛ روستایی حسین‌آبادی، یاسر (۱۴۰۱) بررسی گستره تعهدات دولت در اجرای حقوق اقتصادی - اجتماعی شهروندان در رویکرد قانون‌گذار اساسی ایران و اندیشه لیبرال. مجله: جامعه‌شناسی سیاسی ایران - شماره ۲۵
۲۵. علاسوند، فاطمه (۱۳۹۲) اندیشه‌ها یراهبردی، زن و خانواده تهران، مطالعات و تحقیق زنان،
۲۶. غمامی، سید محمد مهدی؛ تقی نژاد، علی (۱۳۹۹) تعهدات دولت در قبال «حق بر هوای پاک» بررسی نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران. مجله: مطالعات حقوق بشر اسلامی - شماره ۱۸
۲۷. سعادت‌کنده زاد، حسین (۱۳۹۳) پیشگیری از طلاق علل و پیامدهای اجتماعی طلاق، همایش منطقه ای آسیب شناسی پدیده طلاق ۱۳۹۳

۲۸. سید فاطمی، سیدمحمد قاری (۱۳۹۳) حقوق بشر در جهان معاصر، تهران، شهر دانش،
۲۹. فروغی نیا، حسین؛ عنایت تبار، رشید؛ خدادادی، اشرف (۱۴۰۱) ماهیت تعهدات دولت‌ها در قبال حق توسعه اقتصادی با تأکید بر تحریم‌های هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران. مجله: مطالعات حقوق بشر اسلامی - شماره ۲۶
۳۰. قاری سید فاطمی، محمد (۱۳۸۲) حقوق بشر در جهان معاصر، ج ۸، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵) عدالت و حقوق بشر، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۱۳، شماره ۵.
۳۲. امام خمینی، روح الله (۱۳۶۴) کتاب البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۳. کرمی، حامد؛ میربد، سید علیرضا (۱۳۹۷) مختصات حقوق بشر در تمدن نوین اسلامی و تعهدات حکومت اسلامی در قبال آن. مجله: مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی - شماره ۲
۳۴. گرجی، علی‌اکبر (۱۳۸۷) حاکمیت قانون در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران: امکان‌سنجی یک نظریه، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۱
۳۵. گل‌دوزیان، ایرج (۱۳۷۸) حق دفاع در مراجع قضایی، مجله مطالعات حقوق، شماره ۵.
۳۶. محمد الرازی، فخرالدین (۱۴۱۵ ق) التفسیر الکبیر، دارالفکر، بیروت
۳۷. مرزوقی، رحمت‌الله؛ مروتی، مرضیه (۱۳۹۰) جایگاه عدالت در دولت کرامت محور مهدوی از منظر مقام معظم رهبری - رویکردی به دولت زمینه‌ساز. مجله: معرفت - شماره ۱۶۲
۳۸. مصوبات برنامه تحول در نظام اداری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۷۹)، برنامه راهبردی تحول نظام اداری، مرحله دوم: انتشارات سازمان امور اداری و استخدامی کشور.
۳۹. معتضدیان، امین؛ مسعود، غلامحسین؛ عمادزاده، محمدکاظم (۱۴۰۱) مبانی فقهی تعهدات دولت در تأمین کالاها و خدمات عمومی در نظام حقوقی ایران. مجله: مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم - شماره ۴
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸) تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. المنجد فی اللغة والاعلام، بیروت ۱۹۹۷، طبع ۳۶.
۴۲. مؤذن‌زادگان، حسن‌علی (۱۳۸۸) حقوق دادخواهی و دفاع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۹
۴۳. نعمت شاهی، حسن (۱۳۹۵) آثار مالی فسخ نکاح و طلاق در حقوق ایران، پایان نامه، کارشناس ارشد حقوق خصوصی،
۴۴. وکیل، امیرساعد، عسکری، پوریا (۱۳۸۷) نسل سوم حقوق بشر، تهران، مجد،
۴۵. هاشمی، محمد (۱۳۸۲) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: میزان.
۴۶. هداوند، مهدی؛ مسلم، آقایی طوق (۱۳۸۹) دادگاه‌های اختصاصی اداری در پرتو اصول و آیین‌های دادرسی منصفانه، چاپ اول، تهران: خرسندی.

1. de Villiers, Michel; Le Divellec, Armel, (2013); Dictionnaire du droit Théorie des droits de l'homme et progrès de la biologie constitutionnel, 9e éd, Paris, Sirey.
2. Grewe, Constance; Ruiz Fabri, Hélène, (1995); Droits constitutionnels européens, Paris, P.U.F.
3. Irvin, Renee A. & John Stansbury (2004), Citizen Participation in Decision-making: Is it Worth the Effort?, Public Administration Review, Vol. 64, PP. 55-65.
4. Jorion, Benoît, (1999); «La dignité de la personne humaine ou la difficile insertion d'une règle morale dans le droit positif», R.D.P.
5. Moutouh, Hugues, (1999); «La dignité de l'homme en droit», R.D.P.

6. [/https://iran.un.org](https://iran.un.org)
7. <https://hawzah.net>
8. <https://rc.majlis.ir/> پژوهش های مجلس شورای اسلامی مرکز